



نقدی بر مصاحبه

(طرحی از وظایف)

نویسنده: میرزا فخرالدین فخری
عبدالحکیم مصباح

چریکهای فدایی خلق ایران

(ارتش رها نی بخش خلق های ایران)

توضیح

مقاله حاضره یکی از آخرین نوشته های چهره
فدائیس خلیق رفیق کبیر شهید محمد الرحیم
صنوبری است که او آخر سال ۱۳۶۰ و در چها رجب مسائل
نشست هما سال تنظیم شده است . از آنجا که این نوشته
به نقد برخی از موارد الحراف و ضعف گذشته سازمان
مربوط میشود و با اعتقاد براینکه بدون نقد از سیاست
عملی ای که در گذشته وجود داشت (۶۰ - ۵۸) نخواهیم
توانست به مسائل عملی خود پاسخ درست و مثبت
بدهیم . ما ضمن تأیید مضمون این نوشته با حک و
اصلاح جزئی و آنرا به خاطر بزرگداشت دومین سالگرد
شهادت رفیق (۱۳ اسفند - ۶۰) انتشار
میدهم .

با ایمان به پیروزی رامنان
چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش و مائیتش خلقهای ایران)

پسرسی دو سال و اندی فعالیت نظری و عملی چریکهای فدائی خلق ایران (۱) که با ادعای وفاداری به تئوری "مبارزه مسلحانه، هم-استراتژی، هم تاکتیک" موجودیت خود را اعلام کرده، نشان میدهد که آنها نتوانستند مدافع راستین مشی انقلابی باشند و نتوانستند وظایف مهم و مهم جنبش انقلابی مسلحانه جدید را بدرستی درک کنند و در نتیجه نتوانستند در اجرای آن وظایف سهم گامهای مؤثر و جدی بردارند.

اکنون مسجل شده است که یک طرز تفکر اپورتونیستی و یک نیروی اپورتونیستی عمدتاً برسا زمان ما حاکمیت میکند، و این نیرو با تمام وجود کوشش میکند تا از زنده شدن دوباره مشی انقلابی جلوگیری کرده و میکوشید با توسل به تمام وسایل و طرق ممکنه مشی اپورتونیستی خود را برسا زمان تحمیل نماید.

مسلاً انتقاد از فعالیت نظری و عملی سازمان در دو سال گذشته، تنها به عدول از خط مشی انقلابی محدود نمیشود، اما از آنجا نیکه این امر نقش تعیین کننده ای در رابطه با کل فعالیت سازمانی ایفا نمود، بهتر است پیش از هر چیز مشی اپورتونیستی حاکم برسا زمان را معرفی کنیم.

"خطوط اساسی مشی اپورتونیستی حاکم برسا زمان در "مصاحبه" با رفیق اشرف دهقان" بیان شده است. (۲)

"مصاحبه" دارای تناقضات بسیار و تفکرات مغشوش است، ذکر این نکته از آنجا اهمیت دارد که این نقاط ضعف برای برآوردن "مصاحبه" بیکه قوت تبدیل شده بود و مهر خود را بر تمام برخوردها و موضعگیریهای

سیاسی و ایدئولوژیک درون سازمان آنها میزد. در هر حال تا آنجا که به بحث این مقاله مربوط میشود (۲) باید گفت تصویری که صاحب از روند پیشرفت انقلاب ارائه میدهد غیر علمی و نادرست است. تئوری — مبازره مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک و وظیفه برپائی و گسترش جنگ انقلابی در جریان خود جنگ انقلابی نهی میگردد، و ضرورت — مبارزه مسلحانه به شرایطی که مشخص کنند آن "هجوم نظامی امپریالیسم" است محدود میشود برای فهم و درک آن تناقضات و آن تفکرات به سواغ خود "صاحب" میروسیم.

س — برگردیم به سازمان چریکهای فدائی خلق. فکر میکنید عیب بزرگ کنونی اش چیست؟

ج — عیب بزرگ کنونی اش اینست که وظیفه کنونی اش را درک نمیکنند. س — بنظر شما وظیفه بزرگ کنونی اش چیست؟

ج — میدانید که امپریالیسم در کمین انقلاب ما است؟ میدانید هر لحظه

ممکن است تعرض نظامی آغاز شود؟ اینکه به چه وسیله ای دیگر مهم

نیست، چه بوسیله تفنگداری که در سواحل ما پیدا ده میکند، یا

بوسیله مزدورانی که در اینجا و آنجا مشغول سربازگیری هستند یا بوسیله

بخشی از ارتش یا بوسیله دسته های مخفی سیاسی — نظامی. بهتر

حال حتی خوش خیالترین سیاستمداران هم این خطر را حس میکنند و همین

خطر مهمترین وظیفه کنونی ما را تعیین میکند باید مردم را برای مقابله با

این خطر بسیج کرد. مردم آماده اند تشکیلات و رهبری میخواهند. حتی

شیره مبارزه را هم شناخته اند • مخفیانه سلاح میخرود • وظیفه سازمان
چریکها ی فدائی خلق ایران روشن است با بد سازمان مسلح توده ها را -
پوجود آورد •

من یعنی شما معتقدید که چریکها ی فدائی خلق به جنگ با این دولت
بسیار خوب تر است ؟

ج - به هیچوجه از کدام سخن من چنین استنباط کردید ، من گفتم
باید مردم را برای هجوم نظامی آماده کنیم • البته ممکن است در
این هجوم کسانی از این دولت هم دست داشته باشند (۲) ولی
به هیچوجه من معتقد به آن نیستم که در حال حاضر باید بمبارزه نظامی پرداخت

ولی هر جا به خلق حمله نظامی میشود باید مقاومت نظامی خلق را سازمان داد
خلقهای ایران باید بدانند که چریک فدائی همیشه خود را بین او و دشمن او -
حائل میکند • کسانی که به خط مشی مبارزه مسلحانه خرد میگردند که : شما
" جدا از توده ها " میخواهید مبارزه مسلحانه انجام دهید و ما به آنها میقتیم
صرف نظر از هرگونه دلیلی شما اپورتونیستهای بیسی هستند که اساسا با -
اعمال تهر انقلابی مخالفید ، برای توجیه سخنان خود میگویند که ما به
مبارزه مسلحانه توده ای اعتقاد داریم • امروز که توده ها مسلح شده اند و امروز
که بقول یکی از فرمانداران از هر ده نفر در ایلام نه نفر مسلحند به چه فکر

میکند اینجا که دیگر بحث مبارزه مسلحانه جدا از توده ها مطرح نیست ،
میدانید به چه فکر میکنند ؟ به اینکه چگونه خط مشی مسلحانه را رد نمایند و
چگونه جزوات خود را که گویا بنحوی کوبند ، مبارزه مسلحانه را رد کرده اند ؟
خواندنش را بهم توصیه میکنند • باور کنید این اپورتونیستها دروغ میگویند •

اینها با اعمال قهرا نقلا بی خلق مخالفتند و هر روز آنها بصورتی عنوان میکنند
 کمونیستی که دجا و آپورتونیسیم نباشد باید امروز به سازماندهی مسلح^{مبارزه}
 توده ها که در آئینه نه چندا ن دور با هجوم نظا می امپریالیسم شروع
 خواهد شد ، از هم اکنون بهره ا زد و این است آن نقش محوری مبارزه -
 مسلحانه که تعیین کننده فعا لیت های سیاسی امروزی ما خواهد بود . هر
 سیاسی غیر از این صورت مبارزه توده ها را از محتوا خالی خواهد کسرد .
 با هجوم نظا می امپریالیسم همه این سازمانهای سیاسی ، میتینگها و
 نظا هرات بیک سو ریخته میشود و توده سرخورد ، از رهبری با رد یگر تن
 بنا سارت و خفت خواهد داد . (از صفحه ۲۲ تا ص ۳۸)

از قطعه بلند بالا بر احکام و نتایج زیر تکیه میکنیم .

- ۱ - امپریالیسم در کمین انقلاب ماست و هر لحظه ممکن است تعرضی نظا -
 میش را آغاز کند .
- از این جمله همچنین جمله آخر قطعه مذکور : " با هجوم نظامی -
 امپریالیسم همه این سازمانهای سیاسی ، میتینگها و نظا هرات بیک سو
 ریخته میشود " این نتیجه حاصل میآید که هجوم نظا می امپریالیسم
 بعبارت دیگر تعرض نظا می امپریالیسم هنوز صورت نهی پرفته است (۵) .
- ۲ - باید مردم را برای مقابله با این خطر بسیج کرد ، بنا بر این باید
 سازمان مسلح توده ها را بوجود آورد .
- ۳ - مردم آماده اند ، شیوه مبارزه را شناخته اند ، حتی خود مستقا همه
 خرید اسلحه مبادرت میورزند ، مثلا در ایلام از مردم نفر سه نفر مسلحند .
- ۴ - بهیچوجه من معتقد بآن نیستم که در حال حاضر به مبارزه نظا می

پرداخت •

۵- ولی اگر در جایی بخلق حمله نظامی شد با پد مقاومت نظامی خلق را سا -

زمان داد •

۶- مبارزه ^{مسلح} توده ها در آینده نه چندان دور با هجوم نظامی امپریالیسم

شروع خواهد شد (یعنی : این مبارزه مسلحانه توده ها هنوز آغاز نشده است)

۷- از هم اکنون باید به سازماندهی این مبارزه مبادرت ورزید • این

وظیفه اصلی کمونیستهاست • در شرایط کنونی معنی نقش محوری مبارزه مسلحانه

کسب تعیین کننده فعالیت‌های سیاسی امروز ماست همین است • کسانی

که خود را هوادار تئوری "مبارزه مسلحانه" هم استراتژی • هم تاکتیک •

میدانند مبارزه نظامی را در حال حاضر رد میکنند • ضرورت مبارزه مسلحانه را

مشروط بر "هجوم نظامی امپریالیسم" میکنند • و در راه پیروسی "تسلیم توده ها"

جز درازگویی و لفاظی کاری نمیکند گرچه قبول دارند حاکمیت امپریالیستی

همچنان پابرجاست و دولت کنونی • دولتی وابسته است • و گرچه ادعا

میکند این مهم نیست که هجوم امپریالیستها به چه وسیله ای انجام بگیرد

"چه وسیله تفکد ارانی که در سواحل ما پیاده میکنند • یا وسیله مزدورانیکه

در اینجا و آنجا مشغول سرپازگیری هستند یا وسیله بخشی از این ارتش یا

بوسیله دسته های مخفی سیاسی • نظامی • • • اما در واقع بر اعتقادات

خود استوار نیستند • و بنحوی از اینها کوشش میکنند تا تلاشهای دولت

وابسته را به چارچوب مقوله "هجوم امپریالیسم" وارد سازند • اگر اندیشه های

"معا حبه" در پرتو شرایط سیاسی زمانیکه این اندیشه ها بر صفحه کاغذ نقش

می بست مورد بررسی قرار گیرد "تفکرات" مفشوش "و تناقضات آن نیز با وضوح

بیشتری نما یا ن میشود و تحلیل و نتیجه گیریهای "صاحبه" زمانی اراک
 میشوند که میهن ما یکبارچه شا هد گستوش مبارزه خلقهاست در شرایطی
 که کارگران زهر رگبار گلوله های مزدوران رژیم قرار گرفته بودند و در شرایطی
 که مبارزه خلق عرب توسط ارتش مزدور سرکوب شده و کشته های بسیاری بر
 جای نهاد ، در شرایطیکه رژیم مزدور کنونی خلق ترکمن را سرکوب کرده
 زمانیکه مبارزه خلق کرد با تهاجم همه جانبه رژیم مواجه شده بود ، در
 چنین شرایطی "صاحبه" از شروع شدن مبارزه مسلح توده ها در آتیه
 به چند آن دور سخن میگوید ۰۰۰ اکنون این سطور از "صاحبه" را
 بخوانید و ببینید "صاحبه" هم مجبور میشود واقعیت مبارزه انقلابی را
 تصدیق کند .

"تشکیل شورا در کارخانه ها مهم است ولی مهمترین آن سازمان دادن
 مبارزه مسلحانه خلقهاست که چون از ستم دوگانه رنج میبرید زود تر از سایر -
 سن (۶) در این مرحله برای احقاق حق خود سلاح برداشته اند ، خلق
 عرب مسلح است و میداند و مصمم است که برای احقاق حق خود بجنگد ، خلق
 کرد هم بطور ، جنگ مردانگی هم کرد و خلق ترکمن و سایر خلقها
 (ص - ۶۲) اگر چنین است ، اگر واقعاً میلیونها نفر از مردم ما آماده برای
 جنگ هستند چرا با دستها جگس گفته میشود " ولی بهیچوجه من
 معتقد به آن نیستم که در حال حاضر باید به مبارزه نظامی پرداخت چرا
 با دولت وابسته به امپریالیسم که از همان آغاز و بلافاصله پس از در دست -
 گرفتن زمام امور به سرکوب جنبشهای طبقات انقلابی پرداخت نماید
 مبارزه نظامی کرد ؟ و در شرایطیکه از مرده نفر در ایلامه نفر مسلحند

و خلق عرب مسلح است و "و میداند و مصمم است که برای احقاق حق خود بجنگد" و خلق کسوف در حال جنگ است و خلق توکمن به سه پاسخاست و سرکوب شده اند باید جنگید و با توجه به این شرایط همین وا اعتقادات تئوری مبارزه مسلحانه هم استرا تسوی هم تا کثرت چرا باید در مقابل این سوال که آیا باید جنگید یا بجنگید با تفویض جواب داد؟ این سوال متافیزیکی است اینکه باید جنگید یا بجنگید به تحول اوضاع مربوط است (۷) این اوضاع به چه اوضاعی باید تحول پیدا کند تا بتوان به این پرسش پاسخ مثبت و قاطع داد؟ آیا از نظر "مصاحبه" هجوم نظمی امپریالیسم شروع نشده است؟ اگر اینطور است پس آنهمه یورشهای نظمی از سوی چه طبقه یا طبقه‌های انجام میگردد؟ و عاملین این کشت و کشتارهای وسیع چه رابطه‌ای با امپریالیسم دارند؟ با سخ این سوالات را مدافعین "مصاحبه" باید ارائه دهند آنچه ما باید بررسی کنیم این است که "مصاحبه" را چه به وظیفه اصلی کمونیستها چه میگویند.

بر فرض قبول کنیم که وظیفه تئوری و عملی کمونیستها در آنزمان شکل سازمان مسلح توده‌ها بود اما این سازمان مسلح توده‌ها در چه پیروسی وجود می‌آید و خصوصیات اساسی این پیروسی کدامند؟ البته "مصاحبه" درباره این مهمترین مسئله هیچگاه صراحتاً سخن نمی‌گوید ولی میتوان از لابلای تفکرات مخشوش "مصاحبه" پاسخ قاطع این پرسش را به دست آورد و درست‌تر است یا فتن همین پاسخ است که ماضی غالب بر سازمان خود را خواهد شناخت و میتوانیم آنرا با اعتقادات تئوری مبارزه مسلحانه هم

استراتژی هم تا کنون مقایسه کرده و انحرافاتنا بر روشی با زبانه‌ها،
زمانیکه "صاحبیه" تدوین شد اگرچه بنظر "صاحبیه" هنوز امپریالیسم
تعمرض نظامیش را آغاز نکرده بود! ولی پرروازی وابسته "آهانگ خلع سلاح توده
را کرده بود" دولت بیانیه ای انتشار داد و اعلام کرد آنها نیکه در نزد خود
اسلحه دارند باید آنها را همراکز تعیین شده تحویل و رسید دریافت نمایند،
و اخطار کرد که سرپیچی از این دستور دارای مجازات سنگین است
"صاحبیه" به این مسئله توجه زیادی مبذول داشت و در مقابل "ضربت
تسلیح توده"ها را عمدتاً در رابطه با "هجوم آینده امپریالیستها" طرح میکرد
(۸) اما "شعار تسلیح توده"ها و یا بوجود آوردن سازمان مسلح توده‌ها
در حقیقت نظر بر ایجاد یک "سازمان" یک "وسیله" مبارزاتی است و آنچه
مهم است تشریح این نکته است که چنین سازمانی در چه پروسه از مبارزه بیه
وجود می‌آید؟ در نظر اول منطقی است که قبول کنیم از نظر "صاحبیه" پروسه
"تسلیح توده"ها "نه در یک پروسه نظامی، بلکه در یک پروسه غیر نظامی صورت
می‌پذیرد" زیرا "صاحبیه" میگوید، "ولی من بهیچوجه معتقد به آن
نیستم که در حال حاضر باید به مبارزه نظامی پرداخت ولی در "صاحبیه"
آیده‌ها یعنی مطرح میشود که آدوسی را درباره صحت این استنتاج به تردید
می‌اندازد و مثلاً به تظنه زیر توجه کنید "باید همه نیروهای ضد امپری-
الیست را برای یک مبارزه مسلحانه که مسلماً به ما تحمیل خواهد شد آماده
کرد و تشکیل شورا در کارخانه‌ها مهم است ولی مهمتر از آن سازمان دادن
مبارزه مسلحانه خلقهایی است که چون از ستم دوگانه رنج می‌برند خودتر از
سایرین در این مرحله برای احقاق حق خود سلاح برداشته اند و خلقی

عرب مسلح است و می‌داند و تصمیم است که برای احقاق حق خود بجنگد
خلق کرد هم‌طور جنگ مردانه ای هم کرد • خلق توکمن و سایر خلقها • هر
ضربه ای که آنها بسرب‌بکرا امپریالیسم بزنند به نفع طبقه کارگر است اساساً
تا وقتی آنها مسلحند • این شو را های صنفی در کارخانه ها از هجوم
بورژوازی و بسته درامانند • در مورد این خلقها مخصوصاً وظیفه ما حساس
است • زیرا آنها چه ما بخوایم چه نخواهیم مبارزه مسلحانه خود را ضرورت
خواهند داد و در صورت بی‌اعتنایی ما به آنها این خطر وجود دارد که
یک جنبش مسلحانه خود بخودی بوجود آید که نتیجه اش مرگها راست و بی
رهبری مبارزه مسلحانه بدست مروجین بیائتد که نتیجه اش از آن هم
سرگبارتر است • وظیفه مبارزه ما رکیست تشخیص وظایف عمده از غیر عمده
است نه پر شمردن آنها در ردیف یکدیگر • بن فکروایم که مبادا ما با اندازه
کافی وظیفه ما ترا در مقابل "خلقها" انجام نداده باشیم و مبادا آنها از ما
دلسرد شوند اینکه ما چه سیاستی باید در قبال وضع موجود داشته باشیم
را بیشتر این امر معلوم میکند که توده ها چه میخواهند بکنند و اما دگر
چگونه مبارزه ای را دارند • (صفحه ۶۲ تا ۶۵)

از این جملات چه نتیجه ای باید گرفت ؟ این جملات بیش از هر چیز آشفتگی
فکرهای "مصاحبه" را برملا میکنند • مثلاً آیا اعتقاد به جنبش خلقها و
سازمان دادن مبارزه مسلحانه خلقها بی که برای احقاق حقوق خود مسلح
پرداشته اند بدین معنی است که به میان آنها برویم تا از بیدایش یک
جنبش مسلحانه خرید بخودی جلوگیری نموده و در عین حال به ایجاد سازمان
مسلح توده ها بپردازیم • تا در صورت هجوم نظامی امپریالیسم آنها

آبادگی مقابله با آنرا نداشته باشند ، و یا اینکه باید این جملات را بدین
معنی فهمید که بهمان آنها پیروز و مبارزه مسلحانه ای را که خود آغاز کرد باید
گسترش دهیم ، اگر منظور "صاحبه" حالت دوم باشد آنوقت آن حکم "صاحبه"
مبنی بر اینکه در حال حاضر نباید دست بهارزه نظامی زد چه میشود ؟ -
تردید پشاهانک در پیوسته بر "و تجزیه و تحلیل واقعیت به چنین نتیجه ای
رسیده است ، و وظیفه دارد تا برای جلوگیری از اتلاف انرژی انقلابی ، توده ها
مقتاعد سازد که براه او بیایند ، اگر نظر "صاحبه" حالت اول باشد پس این
جملات را چگونه باید فهمید ؟

آنکه ما چه سیاستی باید در قبال وضع موجود داشته باشیم را بیشتر این امر
معلوم میکند که توده ها چه میخواهند بکنند و آبادگی چگونه مبارزه ای را
دارند ، "باکی" دقت معلوم میشود که با این جملات "صاحبه" میخواهد بر
سازمان دادن مبارزه مسلحانه ای که خلقها آغاز کرده اند تاکید بوزد و بگویند ؟
"تشکیل شوراهای در کارخانه مهم است ، ولی مهمتر از آن ساز
ماندن مبارزه مسلحانه خلقهاست است که جزو از ستم دوگانه
رنج میبرند زودتر از سایرین در این مرحله بر

احقاق حقوق خود سلاح برداشته اند
در واقع "صاحبه" میگوید ، این درست است که تشکیل
شوراهای در کارخانه مهم است ، اما ما در تعیین سبب
ست خود نباید بپوشیم توده ها چه میخواهند و آبادگی
چه نوع مبارزه ای را دارند ، اکنون خلقها زودتر از سایرین برای احقاق
حقوق خود سلاح برداشته اند ، و با استناد به شرحی که از

جنگ خلقهای کرد و عرب و ترکمن و سایر خلقها داده شد نتیجه میگردد که خلقها حقوق خود را میخواهند و آماده مبارزه مسلحانه اند. از نظر منطقی اینطور بنظر میرسد که "صاحبه" سازمان دادن مبارزه مسلحانه توده ها را که آغاز شده است و همچنین هدایت آنها وظیفه مهم پادشاهان کمونیست میداند. اگر این ادراک درست باشد باز هم این سوال مطرح میشود، پس چرا میگوید در حال حاضر نباید بمبارزه نظامی پرداخته در جستجوی پاسخی برای این معضل هستیم که چند سطر پائینتر همه امیدها به یأس تبدیل میشوند.

"میدانید چرا امیر یالیمس تاکنون حمله نظامی را شروع نکرده؟ فقط بخاطر سلاحهایی است که در دست مردم است. میترسد اگر حمله را آغاز کند خلق به مبارزه مسلحانه برخیزد، و اینبار واقعا گورنرها بکنند. پس آرام میشیند و ظاهراً دیکراسی برقرار میشود." (ص ۶۸)

چه آش در هم جوشی در همین چند سطر پیش آنهمه دوباره بمبارزه مسلحانه خلقها داد سخن داده شد، و اکنون میفهمیم که، هنوز خلق بمبارزه مسلحانه بر نخاسته است. در واقعیت شاهد آنهمه کشت و کشتار هستیم ولی باز هم به ما میگویند امیر یالیمس آرام نشسته، و هنوز حمله نظامی را شروع نکرده است. از یکسو به جنگ مردانه خلق کرد و عزم و تصمیم خلق عرب و مبارزه خلق ترکمن اشاره میکند و از طرف دیگر میگوید امیر یالیمس میترسد اگر تصرف نظامی را آغاز کند خلق بمبارزه مسلحانه برخیزد. بالاخره آن کشت و کشتاری که توسط ارتش و سپاه و دسته های سیاه انجام پذیرفت باید جزو هجوم نظامی امیر یالیمس محسوب شود یا نه. اگر آری، پس چرا مکرراً تکرار میشود "میدانید چرا امیر یالیمس تاکنون حمله نظامی را شروع نکرده؟" میدانید هر لحظه

مکن است امپریالیسم تعرض نظامی خود را آغاز کند. میدانید خلق را باید برای هجوم امپریالیسم که در آنگه ای نه چندان دور صورت گیرد بسیج کرد. . . . واقعا این به چه معنی است؟ آیا واقعا از نظر صاحبها تنها شکل هجوم امپریالیستها پیاده کردن تفنگداران دریائی نیست؟ و اگر آن کشت و کشتارها بمعنی هجوم امپریالیستها نبود، پس هجوم و سرکوب این ارتش و سپاه یا سداران و پاندهای سیاه را باید بحساب چه طبقه ای گذاشت؟ اگر امپریالیسم آرام نشسته است، این همه خشونت و سرکوب تهرآمیز از سوی چه طبقه یا طبقاتی انجام میگردد و رابطه این طبقه با طبقات با امپریالیسم چیست؟ اکنون بیایید قسمت دیگری از "صاحب" را مورد ا باین قرار دهیم و بیونیم سرانجام بکجا میرسیم.

" . . . آنگاه پرروازی وابسته ب فکر آن میانند که برای آنکه هجوم نظامی آینده اش کاملا با موفقیت مواجه باشد، آهنگ خلع سلاح را ساز کند، فکر میکنند برای دمکراسی است که میخواهد خلع سلاح کند؟ بهیچوجه، برای آنست که میدانند همین سلاحهایی که در دست مردم است ضامن بقای همین شبه دمکراسی است پس ابتدا باید خلع سلاح را انجام داد، بعد جنبش خلق و

شبه دمکراسی را نسا بسود کسود" (ص ۶۹)

س. فکر میکنم دارید مهمترین مسائل میپردازید اینطور نیست؟

ج. — بله، در این مهمترین مسئله میپردازم، آنها که تئوری مبارزه مسلحانه را فراموش کرده اند و با آنها بود دانسته اند مکن است بگویند مهمترین مسئله در حال حاضر برای ما مسئله قانون اساسی و مجلس مؤسسان است و لسی تئوری مبارزه مسلحانه که چه قبول دارد که تدوین قانون اساسی

معرضی میتواند در حال حاضر اهمیت مبارزاتی داشته باشد و پس از تدوین نیز چارچوب خوبی برای جهت دادن به مبارزات آینده است ولی مسئله اصلی جنبش ما مسئله خلق سلاح است، ما باید تا طمانیه با این مسئله برخورد کنیم چون هر که زندگی جنبش در آن نهفته است و اساسا اگر توانستیم سلاح را در دست مردم نگهداریم میتوانیم بخواهیم که قانون اساسی مردمی تدوین شود و اگر توانستیم مردم سلاح را سازماندهی کنیم میتوانیم بخواهیم که قانون اساسی در اولین ماده خود تمام روابط امپریالیستی و منافع امپریالیستی را از بین ببرد و بورژوازی وابسته را منقرض اعلام کند و اگر این بورژوازی مقاومت برخاست میتوان آنرا سرکوب کرد. (ص ۷۰)

"مباحثه" میگوید: بورژوازی وابسته برای آنکه هجوم نظامی آینده اش کاملاً بنا موقیعت مسواچه شود..... همینجا کسی مکتب میبکشد پس معلوم میشود تاکنون بورژوازی وابسته هم هجوم نظامی را آغاز نکرده است. اگر چنین باشد معضلات بیشتری گریبانگیر ما میشود. دیدیم که از نظر "مباحثه" امپریالیسم هنوز تعرض نظامی را آغاز نکرده بود. اکنون می بینیم بورژوازی وابسته هم هنوز تعرض نظامی را آغاز نکرده است. در نتیجه باز هم آن سوال دهماره مطرح میشود: بنیانه کشت و کشتار بعد از ۲۲ - بهمن توسط چه طبقه یا طبقاتی انجام میدهد؟

احتمالاً مدافعین "مباحثه" بر سر شوق خواهند آمد و بهما حرارت خواهند گفت "مباحثه" کاملاً دقیق و مارکسیستی - لنینیستی تنظیم شده است شما يك قسمت از جمله را انداخته اید و نتیجه مطلوب خود را گرفته اید اگر کسی دقت کنید می بینید که "مباحثه" میگوید "آنگاه بورژوازی وابسته

بفکر آن میافشد که برای آنکه هجوم نظامی آینده اش کاملاً با موفقیت
 مواجه باشد و این بدین معنی است که بورژوازی وابسته هجوم
 نظامی را آغاز کرده و برای موفقیت کامل در آینده ، میخواهد توده هار خلق
 سلاح کند ما میبذیریم ، اگر چنین پاسخی بها داده شود در حقیقت ما
 متوکل اشتباهی بزرگ شده ایم زیرا بدین دلیل ما به نتیجه گیری بالا رسیدیم
 که فکر میکردیم از نظر "صاحبه" در مین ها سیاست "بورژوازی وابسته ای
 که در قدرت دولتی شرکت دارد همان سیاست امپریالیسم است . اگر
 اینطور نیست ، پس رابطه این بورژوازی وابسته با امپریالیسم چیست ؟ آیا
 این هجوم امپریالیسم به منافع خلق یک چیز است و هجوم نظامی این
 بورژوازی وابسته یک چیز دیگر ؟ آیا واقعاً بنظر "صاحبه" در شرایط
 مین ما ، امپریالیسم و این بورژوازی وابسته دو سیاست جداگانه را تعقیب
 میکنند ؟ در این صورت رهبری این ارتش ضد خلقی و ماشین سرکوب قول
 آسادر دست کیست ؟ با اینهمه جواب فرضی مدافعین "صاحبه" مین براینکه
 بورژوازی وابسته هجوم نظامی را آغاز کرده است ، ولس برای موفقیت کامل
 خود در آینده آهنگ خلق سلاح ساز میکند و پاسخ دروغی نیست ، "صاحبه"
 بین پیوسته خلق سلاح توده ما و نابودی جنبش خلقی و شبه دیکراسی فاصله
 میاندازد ، "صاحبه" میگوید ؟ " فکر میکنید که نقطه برای دیکراسی است که
 میخواهد خلق سلاح کند ؟ بهیچوجه ، برای آنستکه میدانم همین سلاح
 هستی که در دست مردم است ، ضامن بقای همین شبه دیکراسی است
 پس ابتدا باید خلق سلاح را انجام داد ، و بعد جنبش خلقی و شبه دیکراسی
 را نابود کرد . اگر "صاحبه" بین خلق سلاح و نابود کردن جنبش

خلق و شهید مکرسی فاصله نمی اندازد ، آن وقت این جلاست کاملاً بیمعناست .
 زیرا اگر این خلع سلاح در پیرویه سرکوب قهرآمیز انجام پذیرد ، پس پیرویه خلع
 سلاح و پیرویه نابود کردن جنبش خلق و شبه د مکرسی همزمان است پیرویه -
 ای واحد را تشکیل میدهد پس دیگر معنی ندارد که بگوئیم پس ابتدا باید
 خلع سلاح صورت بگیرد بعداً جنبش و شبه د مکرسی را نابود کرد . در تالی
 وقتی "صاحب" بر این اعتقاد است که امپریالیسم بخاطر سلاح جسمانی که
 در دست مردم است میترسد تعرض نظامیش را آغاز کند ، زیرا ممکن است خلق
 بهارزه سلاحها بر خیزد ، پس سوز و آزاری وابسته چگونه میتواند چنین جراتی
 را بخورد دهد ؟ گویا نظر "صاحب" از این قرار است که "سوز و آزاری وابسته"
 با صدور اعلامیه و بیانیه و با گذاشتن "ماده قانونی" کا ر خلع سلاح را تمام
 میکند . اگر این چنین باشد ما هم با تبلیغ و ترویج میتوانیم سلاحها را در -
 دست مردم نگهداریم . این اندیشه نشان میدهد که تدوین کنندگان "صاحب"
 این حقیقت را نمی فهمیدند که تنها برخورد "قاطعانه" با مسئله خلع سلاح ،
 تنها برخوردی که واقعاً میتواندست و میتواند سلاح را در دست مردم نگهدارد ،
 همانا برپائی و گسترش جنگ انقلابی است . از آنچه که بررسی شد گویا
 میتوان در ضم اندیشی "صاحب" را بخوبی فهمید ، و گرچه میتوان به برخی از
 ایده های واقعی آن پی برد ، معذالک هنوز نمیتواند ایده "صاحب" را راجع
 به پیرویه تسلیح توده ها صراحتاً روشن کند . اما در اینجا و در آخر سخن
 نظراتی ارائه میشود که مشت "صاحب" را به تمام باز میکند . و همه آن
 چیزهای مبهم و متناقض در پرتو آن معنی واقعی خود را باز مییابند . دست
 کنید : "یک خلق مسلح بهترین ، وسیله ایست برای جلوگیری از ماجراجویی

نظامی امپریالیسم • اگر ما خلق را بسیج کردیم • مسلح کردیم آماده به جنگ کردیم • و برای احقاق حق خود مصممش نمودیم چه بسا که امپریالیسم و توکرائش از جنگ با ما منصرف شوند زیرا که شکست حتی عسوف و از پیش می بینند •

این جملات به چه معنی است؟ صراحتاً میگوید که بسیج کردن • مسلح کردن • آماده به جنگ کردن توده ها در پروسه ای غیر از مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم و توکرائش انجام میدهد • زیرا اگر شرط اصلی انجام همه این وظایف مبارزه مسلحانه با امپریالیسم و توکرائش بود • دیگر نمیتوان گفت •

"یک خلق مسلح بهترین وسیله ایست برای جلوگیری از ماجراجویی نظامی امپریالیسم" دیگر نمیتوان گفت "چه بسا که امپریالیسم و توکرائش از جنگ با ما منصرف شوند" می بینیم از نظر "مباحثه" تسلیم توده ها نه در پروسه مبارزه مسلحانه علیه امپریالیسم و توکرائش بلکه در یک پروسه مسالمت آمیز انجام میگیرد • دیگر میتوان از میان این تفکرات مغشوش و تناقضات ^{تصویر} پیشرفته انقلاب را دید • از نظر "مباحثه" •

معنی نقش مخوری مبارزه مسلحانه در اوضاع کنونی اینست که به تسلیم توده ها بپردازیم • و سازمان مسلح توده ها را به وجود آوریم • و این سازمان مسلح توده ها اساساً در پروسه ای غیر قهرآمیز بوجود میآید • ما نباید اساس فعالیت سیاسی خود را بر آن بگذاریم که اسلحه در دست مردم باقی بماند • و همین مردم مسلح را سازماندهی کنیم • اما اینکه باید جنگید یا نجاتید • فعلاً نمیتوان سخنی گفت • این بستگی به تحول اوضاع دارد • در هر صورت یک چیز روشن است • چه بخواهیم بجنگیم و چه

نخواهیم بجنگیم ، باید سازمان مسلح توده ها را بوجود آورد . اگر چنین کنیم ، آنگاه میتوانیم در اولین ماده قانون اساسی تمام روابط و منافع امپریالیستی را از بین ببریم . و پیروزی واپسته را منقوض اعلام نمائیم و چنانچه پیروزی واپسته مقاومت برخاست ، میتوان آنرا سرکوب کرد . در ضمن بواسطه وجود سازمان مسلح توده ها چه پسا امپریالیسم و توکرانش از جنگ با ما منصرف شوند ، و انقلاب بنحو مسالمت آمیز پیش رود و بهد فهای واقعی خود دست یابد . این تصویری است که "صاحبه" از روند پروسه پیشرفت انقلاب روگلا-یف مبرم پشاهتنگ در ایسن پروسه ارائه میدهد .

"صاحبه" با نگان پیشرفت مسالمت آمیز انقلاب و گذار مسالمت آمیز اعتقاد دارد . خلق مسلح توده ها توسط "پیروزی واپسته" را پروسه ای اساساً غیر قهرآمیزی بیند . ضرورت جنگ را در رابطه با هجوم نظامی امپریالیسم ارزیابی میکند . بنابراین دیگر چه دلیلی وجود دارد که در حال حاضر مبارزه - نظامی دست بزنیم ؟ با توجه بآنچه که گفته شد ، "صاحبه" از موضع خود کاملاً درست میگوید : " این سوال متافیزیکی است ، اینکه باید جنگ یا جنگید به تحول اوضاع بستگی دارد زیرا در اینجا ضرورت مبارزه مسلحانه توسط عواملی تعیین میشوند که ما هنوز نمیدانیم چه خواهند کرد . آیا امپریالیسم هجوم نظامی خود را آغاز خواهد کرد ؟ یا اینکه از ترس شکست حتی خود از این مبارزه منصرف خواهد شد ؟ اینرا ما نمیدانیم بهمین جهت است که نمیتوانیم بگوئیم باید جنگید یا جنگید . اگر اوضاع تحول شد ، یعنی امپریالیسم نترسید و بما حمله کرد آنگاه ما هم باید دست بته جنگ بزنیم . ولسی اگر نه ، در آنصورت در همان ماده اول قانون اساسی همه

روابط و منافع امپریالیستی را از بین میبریم و به روزواری واجته را منقوض و اسلام
 میکنیم. دیگر کارها بهر اد است و نیازی به جنگ نیست. اما برای همه اینها
 باید سازمان مسلح توده ها را داشت بنابراین ایده اساسی "صاحب" روشن
 است. اگر ایده اساسی "صاحب" روشن است چرا "صاحب" دچار آنهمه
 تناقض گویی میشود؟ چرا آنهمه مغشوش است؟ حقیقت اینست که تدریجاً
 کنندگان "صاحب" دزدان خود تصویری از روند انقلاب داشتند و بعضی
 آمدند و خواستند تا واقعیت عینی و تئوری مبارزه مسلحانه را در پرتو تحلیل
 خود بازسازی کنند و آن تحلیل سه با دینامیسمهای حرکت عینی جامعه ما
 و نه با اصول تئوری مبارزه مسلحانه، با هیچکدام انطباق نداشت زیرا
 آنها تحلیل خود را بر اساس واقعیت عینی و در پرتو مارکسیسم - لنینیسم
 بنا نکردند، و خواستند، وظایف انقلابی کمونیستها را بر بنیاد این
 تحلیل و بنا و ناداری به اصول تئوری مبارزه مسلحانه بشناسند، اینجا
 بسوگه چه از واقعیت عینی و چه از تئوری مبارزه مسلحانه عناصری وارد تحلیل
 آنها شدند و در نتیجه آش در هم جوشی ساخته شد که هیچکس جز
 هوادا ران "صاحب" نمیتواند آنها قورت دهد. "صاحب" با الگو برداری
 سطحی از نظرات لنین در انقلاب ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ روسیه میخواهد بخود
 رنگ و لعاب مارکسیست - لنینیستی بزند. ولی حتی يك مقایسه سطحی
 تفاوت شرایط مبین ما را با شرایط روسیه ۱۹۰۵ و ۱۹۱۷ آشکار میکند
 ببینید لنین چه میگوید:

استقرار جمهوری دیمکراتیک در روسیه فقط در نتیجه قیام پرورندگان مردم و
 که ارگان آن حکومت انقلابی موقت خواهد بود، امکان پذیر است و این

حکومت یگانه حکومتی است که قادر است آزادی کامل تبلیغات به سبب از انتخابات را تامین کند و مجلس مؤسسانی را که واقعا مظهر اراده مردم باشد بر اساس حق انتخابات همگانی، مساوی و مستقیم با اخذ رای مخفی دعوت نماید. (مجموعه آثار و مقالات لنین، دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دیکراتیک صفحه ۲۲۲)

من بپذیرم که لنین شرط تشکیل مجلس مؤسسان که واقعا مظهر اراده مردم باشد را پیروزی قیام مردم میدانند و این قیام پیروزمندانه هیچ معنی جز این ندارد که مردم توانسته اند مقاومت دشمنان خود را خرد کنند و اصلترین ابزار سلطه آنان یعنی ارتش و پلیس را در هم شکسته قبیح پیروزمندانه مردم بلافاصله ارگان خود یعنی حکومت انقلابی موقت را بوجود میآورد و آنگاه این حکومت باید آنچنان شرایطی ایجاد کند که مجلس مؤسسانی که واقعا مظهر اراده مردم باشد و این مجلس مؤسسان فقط این مجلس مؤسسان است که میتواند آنچنان قوانین اساسی مترقی تدوین نماید که به مبارزات آینده جهت دهند اما صاحب چه میگوید: «صاحب» بوعده و وعیدهای بورژوازی وابسته دلخوش میکند و در شرایطی که ارتش امپریالیستی پابرجا باقی مانده است و روز به روز تحت عناوین دیگرگسترش مییابد و حاکمیت امپریالیستی همچنان پابرجاست از تدوین قانون اساسی مترقی از اهمیت مبارزاتی آن و تاثیر آن در جهت دادن مبارزه آینده صحبت میکند و آنگاه اعلام میکند، اگر با خلع سلاح قاطعانه برخورد کنیم، حتی میتوانیم روابط و منافع امپریالیستی را از بین ببریم و بورژوازی وابسته را در اولین ماده قانون اساسی منقوض اعلام کنیم (نقل بمعنی) در زیر سلطه

بورژوازی وابسته^{۱۰} میخواهد^{۱۱} سازمان مسلح^{۱۲} نموده ها را^{۱۳} از راه مسالمت آمیز
برجود آورد (۱۰) شاید مدافعین^{۱۴} صاحب^{۱۵} بگویند مگر لنین در انقلاب
۱۹۱۷ چنین امکانی را پیشبینی نکرد؟ چرا؟ لنین گفت: آنها برای يك
شرایط بسیار استثنائی^{۱۶} و صحت حکم خود را برای يك مدت زمان بسیار کم
معتبر میدانست (۱۱) ولی مع الوصف شرایط مهین خود را^{۱۷} با شرایطیکه
لنین ترهای خود را داد مقایسه میکنیم^{۱۸} لنین ترهای خود را زمانی ارائه
داد که مردم^{۱۹} در يك قیام مسلحانه پیروز شدند توانستند تروریسم را بر
اندازند و بورژوازی بقدرت رسید^{۲۰} ولی در عین حال کارگران و دهقانان نیز
قدرت متشکل بودند و حکومت خود را داشتند^{۲۱} بورژوازی بقدرت رسید^{۲۲} وضع
آنروزهای انقلاب روسیه به بهترین نحوی در این جملات لنین تصویر شده است
"ما بطور همزمان هم حکومت بورژوازی^{۲۳} دولت لوف و چکوف^{۲۴} و هم
"دیکتاتوری انقلابی^{۲۵} دمکراتیک پرولتاریا و دهقانان^{۲۶} را که داوطلبانه قدرت را
به بورژوازی واگذار میکنند^{۲۷} که داوطلبانه خود را ضمیمه بورژوازی میسازند^{۲۸}
در کنار یکدیگر داریم زیرا نباید فراموش کرد که در واقع در پطروگسود^{۲۹} و
قدرت در دست کارگران و سربازان است. دولت جدید بر علیه آنها خشونت
بکار نمیرود و نمیتواند بکار برد^{۳۰} زیرا که هیچ پلیس^{۳۱} و هیچ ارتشی نیست که
در خارج از مردم قرار داشته باشد^{۳۲} هیچ دستگاه آذاری نیست که با قدرت
در بالای سر مردم قرار داشته باشد و این واقعیتی است^{۳۳} آن نوع واقعیت که
ویژگی دولتی بسبب کمون پاریس است^{۳۴} (در باره تاکتیکها^{۳۵} - مقاله
نامه هائی در باره تاکتیک^{۳۶} - نامه اول)^{۳۷}
بنابراین حتی اگر از گذار مسالمت آمیز صحبت شود^{۳۸} و باین خاطر است که

بورژوازی ارتش و پلیس در اختیار ندارد، به خاطر آنست که خلق مسلح شده است و انقلابی را از سرگذازانده و در "شوراها" سازمان یافته است و نیروی اصلی است که فعلیت دارد. اما در شرایط ما خلق پراکنده است و ارتش امپریالیستی برجای خود قرار دارد و سپاه پاسداران بلافاصله بوجه میآید. و از همان اولین روز یورش و حشمانه خود را بتو دها آغاز میکند. در چنین شرایطی از امکان گذار سلامت آمیز حرف زدن چه معنی میتواند داشته باشد. "مصاحبه" زمانی تدوین شد که ارتش ضد خلقی و پاسداران ضد انقلاب و باندهای سیاه مخفی در حال سوکوب مبارزات خلقی ترکمین، کرد و عرب بودند. فقط يك نگاه بواقعیت کافی است که امکان مادی چنین تفکراتی را کاملاً نفی شده بپنداریم. اگر بواقعیت کمترین توجهی میشد، احتمالاً از چنین الگو برداری سطحی نیز در امان میماندیم. به همین جهت است که ما گفتیم تدوین کنندگان "مصاحبه" برای خود "تحلیلی" از روند پیشرفت انقلاب داشتند و بعد میخواستند واقعیت و تئوری مبارزه مسلحانه را طبق آن بازسازی کنند و بعلمت تناقض شدیدی که بین واقعیت و تئوری مبارزه مسلحانه از یکطرف و "تحلیل آنها" از طرف دیگر وجود داشت، حاصل کار آنها چیزی در آمد مثل "مصاحبه" و خلاصه ما در عمل چه کردیم؟ دسته کوچکی از رفقای خود را به کردستان فرستادیم، زیرا در آنجا بخلق کرد "حمله نظامی" شده بود و نیروی بزرگی از تشکیلات را در همه جاهای دیگر پراکنده کرده به پخش و توزیع "خبرنامه" مشغول نگه داشتیم. و با صلاح خود تبلیغ و ترویج میکردیم. بحضور خود در فعالیت سیاسی دلخوش بودیم، میگفتیم در کردستان هستیم.

و می‌جنگیم. و در تهران^۱ و شهرستانها دیدیگر خبرنگاره و اعلامیه پخش می‌کنیم
یعنی اینگونه "تبلیغ و ترویج" می‌کنیم.
اگر امروز ما ایده‌های "صاحبه" را در اکثر موارد به شخره می‌گیریم، در
حقیقت اعمال و نظرات گذشته خود را ایجاد استهزا گرفته ایم. ما همواره
تاکید کرده ایم که مسئولیت انحراف از خط مشی انقلابی نه فقط با
عده‌ای بلکه با همه رقافت. و مسلماً در این رابطه برای رفقای رهبری
مسئولیت بیشتری پیشناسیم. اما در پیرویه کار سازمان، و در جریان
شناخت ضعفها و نارسائیهها و تعمق هرچه بیشتر راجع به شرایط اجتماعی
و موارد مذکور و تئوری مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک
ما توانستیم گذشته را بیک فهم انتقاد از خود تبدیل نمائیم. در حالیکه عده‌ای
بر جهل گذشته اصرار می‌ورزیدند و لا قیدانه می‌خواستند بر همه آن نارسائیهها
چشم ببوشند و در بهترین وضعیت قبول برخی اشکالات بسیار جزئی
و راه‌حلهای رفریستسی بنشینند.

هواداران "صاحبه" در برخورد با "صاحبه" رفتاری بغایت اهورتونیستی
نشان میدادند. وقتی مطرح میشد فلان فرمولبندی "صاحبه" استنباط غلطی
را ارائه میدهد، میگفتند "صاحبه" بزبان توده‌ای نوشته شده است و
"منظورش این است." و وقتی گفته میشد فلان جمله "صاحبه" منظور "این
است، میگفتند "صاحبه" کاملاً دقیق است بفلان کلمه و فلان کلمه دقت کنید و وقتی
مطرح میشد که سازمان ما فاقد برنامه و سیاست روشن است و لازم است، تا
چنین برنامه و سیاستی تدوین شود، اظهار میداشتند این حکم معنی
رد "صاحبه" است. "صاحبه" برنامه و سیاست ما را روشن کرده و اکنون

ما باید آنها پیاده کنیم. "صاحبه" انطباق تئوری مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک بر شرایط کنونی است. وقتی گفته میشود و این حقیقت پسر را میگفتند که "صاحبه" يك برنامه و سیاست نادرست است، آنها میگفتند "صاحبه" چنین هدفی را در مقابل خود نگذاشته است اصلاً با "صاحبه" چکار دارید، بیائید برنامه و سیاست خودتان را بدهید. فرمولبندیهای در هم بر هم و تناقضات سیستم "صاحبه" خود آنها را گنج کسره بود. ولی از سوی دیگر با آنها این فرصت را میبخشید تا با از این شاخ بآن شاخ پریدن مواضع اپورتونیستی خود را حفظ کنند. آنها حس میکردند که با اندیشه ^{و منطقی} "صاحبه" به بن بست رسیده اند. خارج شدن از این بن بست آسان نبود، فقط آنکه وفاداری با اصول مارکسیسم لنینیسم اندکی وفاداری به تئوری مبارزه مسلحانه، هم استراتژی، هم تاکتیک اندکی شهامت، انقلابی و اندک منش و شعور انقلابی لازم بود تا آنها بتوانند از بن بست که در آن گیر آمده اند، رهائی یابند. و متأسفانه آنها هیچ يك از اینها را نداشتند.

اکنون ببینیم تئوری "مبارزه مسلحانه" هم استراتژی، هم تاکتیک چه میگوید؛ در اینجا رجوع به رساله مذکور الزامی است. در فیه مفسرود مینویسد: "در حقیقت با استقرار سلطه امپریالیستی، تمام تضادهای درونی جامعه ما تحت الشعاع يك تضاد قرار گرفت تضادی که در مقیاس جهانی نسبی گسترش دارد. تضاد خلیج و امپریالیسم. در نیم قرن اخیر، میهن ما شاهد گسترش این تضاد، سلطه روزافزون امپریالیسم بوده است هرگونه تحولی میبایست این تضاد را حل کند و حل این تضاد یعنی استقرار

حاکمیت خلق و سرنگونی سلطه امپریالیستی * و در جای دیگر مینویسد
 " برای شکست ارتجاع باید توده های وسیع روستائی را بمیدان مبارزه کشید
 برای شکست ارتجاع باید ارتش ارتجاعی را شکست داد * برای شکست ارتش
 ارتجاعی باید ارتش توده ای داشت * تنها راه شکست ارتش ارتجاعی و
 تشکیل ارتش توده ای مبارزه چریکی طولانی است و جنگ چریکی نه تنها
 از نقطه نظر استراتژی نظامی و به منظور شکست ارتش منظم و نیرومند * بلکه
 از نظر استراتژی سیاسی به منظور بسیج توده ها لازم است * امر سیاسی و امر
 نظامی بهر اجتناب ناپذیر و ارگانیک با هم ادغام میشوند * از یک طرف
 شرط پیروزی مبارزه مسلحانه بسیج توده هاست * چه از نظر سیاسی و چه
 از نظر نظامی * و از طرف دیگر بسیج توده ها جز از راه مبارزه مسلحانه
 امکان پذیر نیست * و در جای دیگر مینویسد : امروز در اینجا اعلان
 جنگ خود جنگ است * این دو جدائی ناپذیرند * اهمیت معنوی جنگ
 وابسته است به پیشرفت مادی آن * و پیشرفت مادی آن وابسته است به
 اهمیت معنوی آن * هرچه دشمن بیشتر ضربه بخورد * بیشتر متلاشی
 شود * نیروی سیاسی بیشتر رشد میکند * اهمیت معنوی آن * جاذبه توده ای
 آن بیشتر میشود * و این امر موجب تقویت مادی نیروی سیاسی * نظامی
 میشود * در جای دیگر مینویسد : " البته درست است که امر مهم تسخیر
 قدرت دولتی است * ولی در شرایط امروزی * شرط اساسی و ضروری
 تسخیر قدرت دولت مقابله با ارتش و قدرت سرکوب کننده * دولت امپریال
 لیستی و نابود کردن آن است * مسئله این نیست که مبارزه مسلحانه شکلی
 از اشکال پرتنوع مبارزه است که در شرایط خاص و با آمادگیهای خاص

ضروری میشود ، بلکه مسئله این است که مبارزه مسلحانه آن شکل از مبارزه است که زمینه آن مبارزه همه جانبه را تشکیل میدهد و تنها در این زمینه است که اشکال دیگر و پرتووع مبارزه ضروری و سودمند میآیند .^{۱۰} از آنچه که نقل شد می توان مشی عمومی چریکهای فدائیی خلق را بطور کامل و دقیق استنتاج کرد .^{۱۱} بنابراین مبارزه مسلحانه ای که در مد نظر است نه یک قیام مسلحانه شهری ناگهانی ، بلکه جنگ توده ای طولانی است که توده ها بتدریج وارد در آن می شوند .^{۱۲} جنگ چریکی که توسط دسته آگاه طبقه ، یعنی پیشاهنگ آن آغاز میشود بمثابة مرحله مقدماتی جنگ توده ای طولانی است .^{۱۳} در ابتدا جنبه تبلیغی آن دارای اهمیت بیشتری است و بتدریج ، به موازات اثر گذاری بر کل جنبش و پیشرفت مبارزه انقلابی جنبه نظامی آن از اهمیت بیشتری برخوردار میگردد . با افزایش نفوذ محسوس مبارزه مسلحانه در میان توده ها قدرت مادی آن افزون میشود .^{۱۴} و افزایش قدرت مادی بطوبه خود بر نفوذ معنوی آن میافزاید در جریان این پیشرفت در نقطه ای معین از رشد جنگ و قدرت مادی آن می توان یک یا چند منطقه را آزاد نمود ، بلافاصله حاکمیت خلق را برهبری بولتاریا برقرار کرد ، و دست باجرای رادیکالترین برنامه های انقلابی زد .^{۱۵} موضوع انقلاب را هرچه بیشتر استحکام بخشید و جنگ را در ابعاد هر چه وسیعتر گسترش داد و بتدریج در جریان همین جنگ انقلابی شرایط لازم برای شکست قطعی و کامل ارتش امپریالیستی و قطع کامل سلطه امپریالیسم مهیا میشود .^{۱۶} این طرح کلی پیشرفت انقلاب ، از نظر گسختوری مبارزه مسلحانه ، هم استراتژی ، هم تاکتیک است .^{۱۷} در مرحله بندی هر دو حکام کامل جنبش مسلحانه ایران ، تئوری مبارزه مسلحانه ، هم استراتژی ، هم

تاکتیک با توجه به شرایط ایران بنکته قابل ملاحظه دیگری توجه داشت و از یکسو جنبش مسلحانه ایران از نظر توازن قوا بین صفوف خلق و دشمن مرحله بندی میشود. جنگ چریکی بعنوان مرحله مقدّماتی جنگ توده ای طولانی معرفی شده و مراحل مختلف آنرا همان مراحل تشکیل میدهند که مورد توافق همه تئوریسینهای جنگ توده ای طولانی است یعنی سه مرحله دفاع استراتژیک، تعادل و تعرض استراتژیک. از سوی دیگر رقای ما پیرویه تکاملی تغییر و تحول رابطه بین پشاهانگ انقلابی و توده ها را بعنوان یک جنبه از کتل پیرویه رشد و تکامل مبارزه مسلحانه مرحله بندی نمودند. آنها بر رابطه ارگانیک این دو پیرویه تاکید ورزیدند آنها میگفتند پشاهانگ انقلابی با آغاز مبارزه مسلحانه و در جریان رشد آن ابتدا حمایت معنوی توده ها را جلب خواهد کرد و سپس بحمايت مادی توده ها دست خواهد یافت. از نظر آنها این مرحله، یعنی مرحله ای که حمایت مادی توده ها کسب شده است مبارزه مسلحانه و وظایف سنگینتر و مسائل پیچیده تری مواجه خواهد شد. جنگ انقلابی با دامنه وسیعتری باید ادامه یابد، مسئله رهبری جنگ در ابعاد توده ای آن مطرح میشود. دامنه وظایف پشاهانگ انقلابی گسترده تر میگردد و او باید هر چه بیشتر فعالیت خود را بنا فعالیت توده ها درآمیزد. جنبش انقلابی خلق ما در چند سال اخیر درستی ترها و احکام تئوری مبارزه مسلحانه هم استراتژی، هم تاکتیک را بروشنی اثبات نمود، جنبش مسلحانه ایران توانست در قالب سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران جدائی غم انگیز پشاهانگ از توده را از بین ببرد. جنبش مسلحانه ایران توانست

نست حمایت مادی و وسیع توده ها را جلب نماید * و از همان ابتدای اوج -
گیری جنبش توده ها ، سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران علی‌رغم آن‌همه سه
نارسائیها و ضعفهای آشکار برای خلق ما بنقطه امید و انگیزه بدل شد و به
عنوان يك نیروی قابل محاسبه توده ای مورد توجه دشمن قرار گرفت * اقبال
کارگران و دهقانان و بخش نسبتا وسیعی از خرده بسوزروازی شهری نقوذ معنوی
شدید سازمان چریکهای فدائیی خلق را در میان توده ها نشان میداد *

روند جنبش انقلابی ابعاد حمایت معنوی و مادی توده ها را هرچه عریانتر نشان
داد * از آن‌همه مثالهای ریز و درشت که بررسی یگانگ آنها شادی و تأثر همزمان
يك کمونیست را بر میانگیزد ، ما برد و مثال تکیه میکنیم *

نمونه اول خلق ترکمن ، بخش عظیمی از خلق ترکمن یکپارچه برخاست *
شوراها را برپا کرد ، و بدون آنکه هنوز معلوم باشد ضوابط حاکم بر
روابط شوراها چیست ، بدون آنکه هنوز معلوم باشد چگونه کشت و کار خواهد
شد و چگونه محصول کار تقسیم خواهد گشت ، همه هستی خود را در اختیار
سازمان قرار داد و خود منتظر برنامه و رهبری سازمان محبوب خود شد *

نمونه دوم جنبش خلق کرد است ، خلق کرد نیز اعتماد خود را به
سازمان چریکها ابراز داشت * برای اولین بار در تاریخ جنبش خلق کسب کرده
يك سازمان غیر بومی توانست به نیروی برتر جنبش بدل شود و مینرآنست
رهبری بسی چون و چرایی آنها در دست بگیرد * اضافه براین هیچ سازمان -
محلی و یا غیر محلی نمیتوانست قدرت خود را بها قدرت سازمان بسنجد
زیرا سازمان چریکها يك سازمان وسیع سراسری بود و نمیتوان حتی ذره ای -
شك داشت که در صورت اتخاذ سیاستهای درست و انقلابی هیچ سازمانی

نمیتوانست حتی رهبری او را مورد تهدید قرار دهد • این حقایق نشان میدهند
 که جنبش مسلحانه توانسته بود با مبارزات توده ها پیوند برقرار کند • جنبش
 مسلحانه حمایت مادی توده ها را کسب کرده بود • جنبش مسلحانه ایران در
 شرایطی وارد این مرحله شد که موضوع سیاسی جامعه نیز تغییر یافته بود •
 اوگیری جنبش توده ها نشان میداد که جنبش خلق از حالت رکود در-
 آمده و توده ها به فعالیت پر جنب و جوش سیاسی گشاده شده اند • همه
 نیروهای سیاسی • از ارتجاعیترین جناحهای هیئت حاکمه تا انقلابیترین
 نیروهای خلق در عرصه نبرد آشکار و علنی در مقابل یکدیگر ظاهر شدند
 موج تظاهرات و اعتصابات در شهر ها گسترش مییافت • و در بسیاری از -
 روستاها دهقانان برای بازپس گرفتن زمینهای غصب شده خود اقدام علنی
 نمودند • در این میان امپریالیسم توانست با استفاده از شبکه گسترده ارتباط
 جمعی و با بهره گیری از سازمان وسیع روحانیت • خمینی را بجای شاه • در رأس
 دولت وابسته بنشانند • خمینی تحت شعار استقلال و آزادی توانست در قلوب
 بخش وسیعی از مردم ما جای باز کند • اما برکناری شاه و روی کار آمدن -
 خمینی باعث توقف جنبش انقلابی نشد زیرا شور انقلاب در توده ها زایل نشده
 تصویری بود که آنان از تحولات ناشی از برافتادن نظام ظالمانه گذشته
 در ذهن خود داشتند • اکنون بسا رفتن شاه و آمدن خمینی آنها انتظار -
 داشتند که بلافاصله به خواسته های برحق خود جامعه عمل ببوشانند •
 توده ها بیدار شده بودند • و در جریان رشد و گسترش مبارزات گستاخی
 و جسارت آنها افزون گشته بود • آنها خواهان پیشرفت و تعمیق هر چه بیشتر
 انقلاب بودند •

در این شرایط ، یعنی در شرایطیکه ارتش امپریالیستی پا برجا باقی مانده بود ، در شرایطیکه سلطه امپریالیستی پا برجا باقی مانده بود ، در شرایطیکه توده ها بمصل آشکار و مستقیم انقلابی دست زده بودند ، در شرایطیکه زمام داران جدید با فریفتن توده ها قصد تحکیم هرچه بیشتر مناسبات جابرانه گذشته را داشتند ، در شرایطیکه بخشهای وسیعی از خلق ما برای احقاق حقوق خود برخاسته بودند ، وظایف اصلی جنبش مسلحانه انقلابی ایران چه بود ؟ کمونیستها چگونه میتوانند توهنات توده ها را درهم بشکنند ؟ چگونه میتوانند با انقلاب در رسهای گرانمایه بیاآموزند ؟ چگونه میتوانند انقلاب ضد امپریالیستی را عملاً و واقعاً تعمیق بخشند ؟ چگونه میتوانند صفوف دوستان واقعی انقلاب ضد امپریالیستی — دمکراتیک را از دوستان کاذب آن جدا کرده و کوششها و عوامفریبیهای دولت وابسته کنونی را واقعاً افشا کرده و هرچه بیشتر توده ها را از آنها جدا سازند . جنبش مسلحانه ایران تنها با پیشروی بسوی ایجاد " مناطق سرخ " و اجرای برنامه انقلابی خود میتواندست پایه‌های عینی و ذهنی لازم را برای پاسخ دادن بهمه این مسائل پی بریزد . کسی بیشتر توضیح دهیم . تجربیات جنبشهای خلقهای سراسر جهان و همچنین بررسی قانونمندیهای حاکم بر جامعه تحت سلطه امپریالیسم ایمن وضعیت را روشن میسازد که در چارچوب نظام تحت سلطه امکان تحقق هیچگونه برنامه انقلابی وجود ندارد ، و اجرای هرگونه برنامه انقلابی مستلزم درهم خوردن کل نظام امپریالیستی حاکم است . بهمین جهت شرط اجرای برنامه انقلابی ، کسب قدرت سیاسی است . و همچنین تجربیات جنبشهای خلقهای سراسر جهان نشان داده است ، که پیوسته جنگیرها پیش از خلقهای تحت

سبب ، پروسه‌ای طولانی است ، و انقلاب نه یکباره بلکه بتدریج بر مواضع
 قدرت سیاسی دست می‌یابد ، و ماشین دولتی دشمن حاکم نه یکباره -
 بلکه بتدریج خرد و ضعیف می‌شود ، منطقه آزاد شده ، آن
 مکان اجتماعی است که حکومت کارگران و دهقانان در آن می‌تواند برقرار شود ،
 این حکومت با اجرای برنامه انقلابی خود هویت پیدا می‌کند ، منطقه
 آزاد شده محیطی است که برنامه انقلابی تحت رهبری پیشاهنگان انقلابی
 عملاً در آن به مرحله اجرا در می‌آید یعنی به منطقه سرخ مبدل می‌شود ، منافع
 و روابط امپریالیستی عملاً و واقعاً منسوخ می‌شوند ، و بورژوازی وابسته عملاً
 از آنجا بیرون رانده می‌شود ، و اکنون مردم برای حفظ این مناسبات انقلابی و
 برای تامین شکوفائی و تکامل هرچه بیشتر آن در مقابل نیروها فیکه قصد در
 هم کوبیدن این مناسبات را دارند به جنگ انقلابی ادامه می‌دهند ، و از آن-
 جا فیکه شرط بقا ، يك منطقه آزاد غالباً رهایی سراسر کشور از یوغ امپریالیسم
 و مزدوران آن است در نتیجه ، ضرورت در هم شکستن کسل نظام اجتماعی
 حاکم بر همین صا و شکست قطعی ارتش امپریالیستی که عامل بقا و حفظ این
 نظام جابرانه است بیش از پیش برای توده ها نیز روشن شده و بنیروی نابود-
 ناپذیر تبدیل می‌شوند و بدین ترتیب با گسترش هرچه بیشتر جنگ انقلابی و شرکت
 هرچه وسیعتر توده های ستمدیده در آن ، مناطق بیشتری آزاد شده و درجه
 جریان يك مبارزه حاد و بی امان علیه امپریالیسم و مزدوران آن جنگ خلق
 بتدریج شرایط پیروزی کامل بر ارتش امپریالیستی را مهیا می‌سازد ،
 مسئله بر سر این نیست که در این یا آن شرایط مفروض هیچ قیام شهری ناگهانی
 نمیتواند اتفاق بیافتد ، مسئله بر سر این نیست که در این یا آن شرایط
 معین ، این یا آن منطقه آزاد شده در دست دشمن نیافتد ، مسئله بر سر

سیر عمومی جنبش رها ئی بخش خلق ما است . مسئله این است که تمام این لحظات مهم انقلاب در درون پروسه جنگ انقلابی علیه امپریالیسم و مزد و رانش قابیل ارزیابی و بررسی است . و مسئله بر سر این است که خلق ما تنها در چنین پروسه ای به شناخت همه جانبه لازم از هویت ملی خود و رابطه خود با جنبش های رها ئی بخش خلقهای دیگر و همچنین به رابطه نمود با دشمن مشترک همه خلقها یعنی امپریالیسم جهانی پی خواهد برد . و زمینه لازم را برای کسب و جذب اندیشه هائی پیدا خواهد کرد . بنابراین اگر واقعاً ما معتقد بودیم که ارتش امپریالیستی بر جای خود باقی مانده است ، اگر ما معتقد بودیم کشور ما از زیر سلطه امپریالیسم خارج نگشته است ، اگر ما معتقد بودیم دولت کنونی دولتی وابسته است ، با پیشروی بسوی ایجاد منطقه آزاد شده : و اجرای برنامه انقلابی میتوانستیم انقلاب را تعمیق بخشیم . عملاً حکومتی انقلابی را با حکومتی ضد انقلابی در معرض قضاوت و مقایسه توده ها قرار دهیم با بسیج سیاسی - نظامی آنها در مقابل یورشهای ارتجاع واقعاً قدرت مادی آنها را نشان دهیم . یعنی جمهوری دموکراتیک خلق پرهیزی طبقه کارگر را برای آنها لمس پذیر سازیم بدینوسیله توهمات آنها را هر چه سریعتر در هم بشکنیم . تنها و تنها در چنین پروسه ای میتوانستیم توده ها را مسلح سازیم . جنبش مسلحانه میبایست برنامه متناسب انقلابی خود را ارائه میداد ، آنرا میان توده ها تبلیغ میکرد ، و از آنها دعوت مینمود تا خود بهاری پیشاهنگ خویش مستقل از دولت کنونی آنها به پا دهنده کنند . شرایط تحقق عطفی چنین برنامه ای را تشریح میکرد ، و بلافاصله با تمام نیرو و انرژی خود در پی تحقق آن بر میآمد . همانطور که مشاهده میشود ، در چنین شرایطی ، نه

تنها از اهمیت تاکتیکهای سیاسی - نظامی کم نمیشود ، بلکه هر آن افزوده میشود ، امکان شوکت وسیع و موثر در دیگر احوال مبارزه نه تنها از اهمیت مبارزه مسلحانه نمیکاهد ، بلکه وظایف پیچیده تری را بردوش پشاهانگ میگذارد که همانا قابلیت تلفیق و همسو کردن اشکال متنوع مبارزه جهت پیشرفت هر - بیشتر انقلاب است ، همه رخداد های مبارزه انقلابی در طی این مدت ثابت میکنند که طرح این شعار ضرورت داشت و گرایشهایی که ما را به پیروزی برسانند چه از نظر مادی و چه از نظر معنوی وجود داشتند ، نفوذ گسترده معنوی و مادی جنبش مسلحانه در میان توده ها ، بیداری و گستاخی توده ها ، جنبش پایدار خلق کشور ، و جنبش شورائی خلق ترکمن ، موج جنبشهای دهقانی در نقاط دیگر ایران که در آن دهقانان مستقلا برای بریدن راندن زمینداران بزرگ و تقسیم اراضی مابین خود اقدام نمودند ، وضعیت عمومی جنبش همه و همه نشان میدهد که پشاهانگان پرولتری میبایست شعار پیش بسوی منطقه آزاد شده را طرح نموده و فعالانه در جهت ایجاد آن به کار پردازند .

اما گروهها و سازمانهایی که ادعای کمونیستی داشتند چه گفتند و چه کردند؟ آنها نشستند و برای دولت موقت جمهوری اسلامی دستور العمل صادر نمودند .
 نشستند و یکشنبه برنامه نوشتند ، روابط امپریالیستی باید قطع شود ، صیانت امپریالیستی باید ملسی شود ، مجلس مؤسسان باید تشکیل شود
 هر کسی بکار خود مشغول شد ، و در این میان ما چه گفتیم و چه کردیم؟ ما آمدیم و گفتیم " درست است که تدوین قانون اساسی مترقی و تشکیل مجلس مؤسسان در حال حاضر دارای اهمیت مبارزاتی است و میتواند به مبارزات آینده جهت دهد ولی مهمترین آن مسئله خلع سلاح است ، اگر ما بتوانیم

اسلحه را در دست مردم نگه داریم^{۱۰۰۰۰} اما آنچه که بین ما و همسفر
گروههای دیگر ا پورتونست مشترك بود ، این قسمت است که هیچيك به
"حکم شرایط زمان" و تکامل عینی انقلاب توجه نکردیم ، هیچيك روشها و وسایل
مادی لازم را که واقعا و عملاً میتوانست پیشرفت انقلاب را تأمین کند مشخص نساختم .
توده ها را در چه پروسه مسلح کنیم و برای چه ؟ در مورد سوال اول با
به نعل و میخ زدن سرانجام جواب دادیم ، در يك پروسه اساسا مسالمت آمیزه
و در مورد سوال دوم گفتیم برای مقابله با هجوم نظامی امپریالیسم که در -
آینده نزدیک صورت خواهد پذیرفت ، حقیقت را با بد شناخت و آنرا بی پروا -
گفت ، صحبت کردن از يك هدف ، هر چند که این هدف بسیار عالی و بزرگ
باشد بدون آنکه طرق و وسایل دستیابی بآن هدف ، حداقل موضوع کنکاش
پزگیرانه ما باشد جز عبارت پردازی و حرافی چیز دیگری نیست ، وظیفه اساسی
انقلابیون کمونیست و مومن به طبقه و آموزشهای مارکسیسم - لنینیسم شوکت در
يك مبارزه واقعا مؤثر انقلابی است ، نه تنها حضور غیر فعالانه در يك جنبش
سیاسی مفروض .

اگر ما میتوانستیم در پرتو مارکسیسم - لنینیسم و اصول تئوری "مبارزه -
مسلحانه ، هم استراتژی ، هم تاکتیک" راجع بوظایف خود در شرایط جدید
تعمق کنیم ، حتما میتوانستیم باین نتیجه برسیم که برای پیشرفت انقلاب -
برای پیوند یافتن هرچه عمیقتر با توده ها ، برپائی و گسترش جنگ انقلابی
ضرورت دارد ، و حتی بسیاری از ما در قبال این سوال که "آیا باید جنگید
یا بجنگید؟" قاطعانه باید میگفتیم ، آری آری باید جنگید ، باید قورا و در هر
جگه ممکن است برنامه انقلابی پیشاهنگ پزولتری را به مرحله اجرا در آورد .

باید تا آنجا که نیرو داریم گرد هم آوریم و ضربات هرچه جانکاهتری بر پیکر ارتش امپریالیستی وارد آوریم. باید در جهت ایجاد ارتش خلق گامهای موثری برداریم. و باید بیاد داشته باشیم که ارتش خلق تنها و تنها در جریان گسترش جنگ خلق علیه امپریالیسم میتواند متولد شود و تکامل یابد. کوشش در جهت برپائی و گسترش جنگ انقلابی، کوشش در جهت ایجاد مناطق سرخ بمنظور برقراری حکومت کارگران و دهقانان، تلاش در جهت ایجاد ارتش سرخ (۱۲) اینها هستند وظایف عمده و اساسی انقلابیون کمونیست. اینها هستند وظایف اساسی و عمده جنبش مسلحانه ایران در مرحله کنونی رشد و تکاملش. جنبش مسلحانه ایران با پاسخ گفتن باین ضرورتهاست که میتواند جنبش ضد امپریالیستی خلق ما را وارد مرحله نوینی سازد و رهبری پرولتری انقلاب ما را استحکام هرچه بیشتری بخشد.

اما در شرایطی که چنین وظایف سنگین و تاریخی بر عهده جنبش مسلحانه ایران قرار گرفته بود، سازمان چریکهای فدائیی خلق ایران، یعنی سازمانی که در نزد توده ها نماینده بی چون و چرای جنبش مسلحانه شناخته میشد مدتها بود که در ورطه اپورتونیسم در غلطیده بسود رهبری آن یکدست بدست اپورتونیستهای خائنی افتاده بود که کمترین مسئولیتی در قبال توده ها و مارکسیسم - لنینیسم احساس نمیکردند. سازمان سیاسی - نظامی خلق ما در هم ریخته و از نظر ایدئولوژیک منحرف گشته و مشی سیاسی جدید و اپورتونیستی بر آن چیره شده بود. چنین سازمانی دیگر نمیتوانست درفش انقلاب را بر دوش بکشد و آنرا پمپا پیش توده ها در اهتزاز نگاهدارد. تنها دسته کوچکی از آن با ادعای وفاداری به تئوری مبارزه مسلحانه، هم

استراتژی ، هم تاکتیک صاف خود را از آن جدا کرده و دست به تشکیل ساز-
 مان جدیدی زدند که همان نام چریکهای فدائیی خلق ایران را بر
 خود داشت. این نیرو از نظر کمیت بسیار ضعیف و در نزد توده ها گفنام بود .
 . . . و اکنون این سوال پیش میآید که آیا نیروی کوچکی همچون ما یعنی
 چریکهای فدائیی خلق ایران میتواند بهوظایفی چنین عظیم پاسخ درخور دهد
 آیا گروه کوچکی همچون ما میتواند و حق داشت چنین شمارهایی را مطرح
 سازد ، و چنین وظایف غول آسایی را در مقابل خود بگذارد ؟ برای پاسخ باین
 سوال باید ببینیم آیا وسعت و دامنه يك سازمان در تعیین وظایف انقلابی
 او نقش عمده بازی میکند ؟ آیا بواسطه دشواریهای عظیمی که در انجام
 وظایف انقلابی مشخص وجود دارد میتوان از برعهده گرفتن آن وظایف شانه
 خالی کرد ؟

باید ببینیم مارکسیست - لنینیستها بر چه اساسی وظایف انقلابی خود را طرح
 میکنند .

لنین با همه این سوالات پاسخ روشن و صریح داده است . او در سال ۱۹۰۵
 رساله ای نوشته که بعد ها یکی از مهمترین مراجع مارکسیست - لنینیستهای
 سراسر جهان تبدیل شد . این رساله ضمن طرح و حل نظریه بسیاری از مسائل
 مربوط با انقلاب روسیه ، که برخی از آنها دارای اهمیت جهانیست
 میباشد ، روش تفکر لنین را در باره مبانی تعیین و درك وظایف پیشاخص
 هرولترتزیب دست میدهد . ما میخواهیم رجوع بهمین رساله محتوی اندیشه
 لنین را در این مورد نشان دهیم . به قطعنامه حزب سوسیال دمکرات

روسیه در مورد حکومت موقت انقلابی توجه کنیم.

تظمننامه مربوط به حکومت انقلابی موقت:

با توجه بانکه

- ۱- خواه منافع پلاوا و اسطیبولتاریا و خواه منافع مبارزه آن در راه رسیدن به هدفهای نهائی سوسیالیسم و آزادی سیاسی حتی المقدور کاملتر و بالنتیجه تعویض حکومت مطلقه با جمهوری دیمکراتیک را ایجاب مینماید.
- ۲- استقرار جمهوری دیمکراتیک در روسیه فقط در نتیجه قیام پیروزندانه مردم که ارگان آن حکومت انقلابی موقت خواهد بود، امکان پذیر است و این حکومت یگانه حکومتی است که قادر است آزادی کامل تبلیغات پیش از انتخاباتی را تأمین کند و مجلس مؤسسان را که واقعا مظهر اراده مردم باشد براساس حق انتخاب همگانی، مساوی و مستقیم با اخذ رای مخفی دعوت نماید.
- ۳- این انقلاب دیمکراتیک در روسیه با وجود رژیم اجتماعی فعلی آن، سلطه بورژوازی را که تاگیر در لحظه معین، بدون فروگذاری از هیچ اقدامی کوشش خواهد کرد حتی المقدور قسمت بیشتری از پیروزند بهای دوره انقلاب را از جنگ پرولتاریای روسیه خارج سازد. ضعف نمودن مملکت آنها تقویت مینماید.

کنگره سوم حزب کارگری سوسیال دیمکرات روسیه مقرر میدارد:

الف- ضروری است تصور روشنی درباره محتملترین سیر انقلاب و نیز درباره اینکه در لحظه معینی از آن پیدایش حکومت انقلابی موقت که پرو-لتاریا اجرای همه خواستههای فوری سیاسی و اقتصادی برنامه بورژوازمحافظه حداقل (ما را از آن طلب خواهد نمود تاگیر خواهد بود در بین طبقه

کارگزارشاعه یابد .

ب. — با در نظر گرفتن تناسب قوا و عوامل دیگر که تعیین دقیق آنها از پیش غیر ممکن است شرکت نمایندگان حزب ما در حکومت انقلابی موقت بمنظور مبارزه بیرحمانه با کلیه تلاشهای ضد انقلابی و دفاع از منافع مستقل طبقه کارگر مجاز میباشد .

ج. — شرط لازم چنین شرکتی نظارت شدید حزب بر نمایندگان خود و حفظ منافع استقلال سوسیال دموکراسی است که انقلاب سوسیالیستی کامل را هدف مساعنی خویش قرار داده و به همین جهت همه دشمنان آشتی ناپذیر تمام احزاب بسوزواری است .

د. — از اینکه شرکت سوسیال دموکراسی در حکومت انقلابی موقت ممکن باشد یا نه، باید بمنظور حفظ و تحکیم و بسط توسعه پیروزیهای انقلاب اندیشه لزوم فشار دائمی بر حکومت موقت از طرف پرولتاریای مسلح و تحت رهبری سوسیال دموکراسی را در بین وسیعترین قشرهای پرولتاریا ترویج نمود . (مجموعه آثار و مقالات لنین — دو تاکتیک سوسیال دموکراسی در انقلاب دموکراتیک) (ص ۲۴۲)

روح قطعنامه دفاع از منافع طبقاتی پرولتاریا و بسط و تحکیم قدرت او در

مبارزه طبقاتی است . در این قطعنامه صورت تعویض حکومت مطلقه با جمهوری — دموکراتیک و شرایط این امر و وظیفه تبلیغی و ترویجی سوسیال دموکراسی و روش برخورد حزب با حکومت موقت انقلابی بیان میشود . از جنبه های مختلف میتوان این قطعنامه را مورد بررسی قرار داد . لنین خود در یک فصل مستقل تک تک موارد قطعنامه را در بر تو مسائل مطرحه انقلاب روسیه توضیح میدهد .

آنچه ما میخواهیم بر آن تکیه کنیم توضیح و تفسیر قطعنامه نیست. از آنرو این قطعنامه را کاملاً نقل کردیم که برای ادامه بحث ما لازم بود. موضوع بحث قطعنامه حکومت انقلابی موقت است. و گفته میشود شرایط تشکیل حکومت انقلابی موقت قیام بهروزمندان مردم است. و تمام بحث بر سر این است که موسسات و مکراتها باید کارگران و دهقانان را بسیج کنند. آنها را بقیام بکشانند. و در این قیام آنها را رهبری کنند. تا به پشعوانه نیروی آنها یا مجلس مؤسسان واقعی تشکیل شود. و این مجلس مؤسسان جمهوری و مکراتیک را کاملاً تأسیس کند. اما در مطالعه کمال رساله بایسته ها بر میخوریم که پرسش بر انگیز است. مثلاً نین مینویسد:

« قیام آماده نشده، و یا قیام خود بخودی و پراکنده هم اکنون آغاز گردیده است. شکی نیست که هیچکس تضمین نمیشود کرد که این قیام بیک قیام مسلحانه تمام و کمال مردم منتج گردد. زیرا این موضوع هم بوضعیت نیروهای انقلابی مربوطست (که سطحش کامل آن، و فقط طی خود مبارزه میسر است) و هم بطرز رفتار دولت و بورژوازی و هم بکسلسله کیفیات دیگر که در نظر گرفتن دقیق آنها غیر ممکن است. » (همانجا ص ۲۶۲)

اکنون این سوال پیش میآید در حالیکه نمیتوان تضمین کرد که حتماً این قیام بیک قیام مسلحانه تمام و کمال تبدیل خواهد شد یا نه چگونه مسئله قیام در دستور روز قرار میگیرد و چگونه میتوان با این قاطعیت به مخالفین تاکتیک قیام حمله کرد. « کسیکه در لحظه کنونی نمیخواهد بحکومت مطلقه و به ارتجاع حمله کند و کسیکه خود را برای این حمله حاضر نمیکند کسیکه این حمله را تبلیغ نمیکند » آنکس بیپوده نام طرفدار انقلاب بر وی خود میگذارد.^{۳۹}

(مطالبه صفحه ۲۶۲)

از یکطرف در قلمنامه شرایط استقرار جمهوری دموکراتیک و قیام پیروزندانه مردم قید شده است ، از سوی دیگر گفته میشود هیچکس نمیتواند تضمین کند که این قیام پراکنده ، خود بخودی و ضعیف بیک قیام مسلحانه تمام و کمال تبدیل میشود . و باز می بینیم که بر انداختن حکومت مطلقه ، تدارک و تالیف این جمله جزو مسائل مبرم و فوری مطرح میشود .

شیوه اندیشه لنین چیست ؟ او بر چه اساسی وظایف پيشاهنگ را تعیین میکند که به چنین نتایجی میرسد . تا اینجا میتوان گفت لنین انجام وظیفه انقلابی را با امکان حتی حصول هدف مطلوب ناشی از انجام آن وظیفه مشخص مسلط نمیکند . آیا این استنتاج نادرست است ؟ ما نشان خواهیم داد که کاملاً درست است . زیرا لنین این ایده را نه فقط در جملات مذکور بلکه در بسیاری جاها و بصورت گوناگون ارائه میکند . برای آنکه خواننده دقیقاً باین نتیجه برسد ، که آنچه طرح شده است در حقیقت زاویه دید لنین نسبت باین مسئله است بجملاّت دیگر او استناد میجوئیم :

" شکی نیست که انقلاب ما و توده های مردم را تعلیم خواهد داد ، ولی مسئله ایکه اکنون در مقابل حزب رزمنده سوسی قرار دارد اینستکه آیا ما خواهیم توانست چیزی با انقلاب بیآموزیم ؟ آیا ما خواهیم توانست از صحنه آموزش سوسیال دموکراتیک خود و از ارتباط خود با یگانۀ طبقه تا آخر انقلاب یعنی پرولتاریا استفاده نمائیم ، تا مهر و نشان پرولتاریا با انقلاب بزنیم و انقلاب را نه در گذار ، بل در کردار و به پیروزی قطعی و واقعی برسانیم "

و نا استواری ، نیمه کاری و خیانت بورژوازی . دمکرات را گذاریم ؟ (همانجا ص ۲۲۲) در این قسمت لندن بهرخی از وظایف اساسی سوسیال دمکراتها اشاره میکند . فلج کردن عظمی ، نا استواری و نیمه کاری و خیانت بورژوازی — دمکرات ، با انقلاب محتوی پرولتاریائی بخشیدن و پیشبرد انقلاب نه در حرف بلکه عملاً و واقعا . اما در ادامه میگوید : « ما باید تمامی مساعی خود را متوجه این هدف سازیم . اما حصول آن از طرفی مشروط است به صحت ارزیابی ما از موقعیت سیاسی و درستی شعارهای تاکتیکی ما و از طرف دیگر به پشتیبانی نیروی مبارز عملاً موجود توده های کارگر از این شعارها . » (همانجا ص ۲۲۲) می بینیم که لندن تأکید میبورد : باید تمام تلاش و کوشش خود را برای رسیدن باین هدف انجام دهیم . اما اینکه بتوانیم در واقعیت باین هدف دست یابیم یکی به جنبه معرفتسی ما یعنی ارزیابی درست از موقعیت سیاسی و تدوین شعارهای صحیح تاکتیکی بستگی دارد و از طرف دیگر باین مربوط میشود که آیا نیروی عمل کانی بسرا ی تحقق مادی آنها داریم یا نه . (این نیروی مادی همانا نیروی مبارز عملاً موجود توده های کارگر هستند) آیا کارگران مبارز تا چه حدی از این شعارها پشتیبانی خواهند کرد ، ما تا چه حدی میتوانیم پشتیبانان و حمایت آنها را جلب کنیم ؟ . . . اما این تنها جلالتی نیستند که این ایده لندن را توضیح میدهد . لندن در جای دیگر مینویسد : « مشکلاتیکه در سیر راه پیروزی کامل انقلاب وجود دارد بسیار عظیم است . اگر نمایندگان پرولتاریا تمام آنچه را که در توده دارند بکار برند و با اینحال تمام مساعی آنها در مقابله مقاومت ارتجاع و خیانت بورژوازی و جهالت توده بیبهره

ماند هیچکس نمیتواند آنها را مورد تبعیح قرار دهد . (همانجا ص ۲۷۸)
 اینجا دیگر ایده لنین کاملاً روشن و صریح بیان شده است . نمایندگان پرولتا -
 رسها باید همه آنچه را که در قوه دارند برای انجا وظایف انقلابی خود
 بکار بزنند . اگرچه تمام این مساعی بواسطه مقاومت ارتجاع و خیانت بورژوازی
 و جهالت توده ، بهبوده بماند ، البته در تمام رساله این ایده بصور مختلف و
 در ارتباط با موضوعات متفاوت مکرراً تکرار میشود این جملات روشن میسازند که
 در انجام وظیفه انقلابی امکان حتی دستیابی به هدف مطلوب عامل تعیین
 کننده نیست . اما در همین جمله ای که از لنین ذکر شده مطالب دیگری نیز
 نهفته است . لنین از مقاومت ارتجاع و خیانت بورژوازی ، و جهالت توده سه
 عنوان عواملی که میتوانند مانع شوند تا تا اتمام تلاش و کوشش های ما به نتیجه
 مطلوب برسد ، میگوید . میتوان این نتیجه را گرفت که اندازه قدرت و مقاومت
 دشمن نیز نمیتواند عامل تعیین کننده ای برای تعیین وظیفه انقلابی باشد
 همچنین ممکن است نیرو های دیگری که در مبارزه شرکت دارند ، بواسطه اعمال -
 خود ، و نیروی خویش آنچنان شرایطی ایجاد کنند که باز هم تمام تلاشها
 و مساعی پشاهانگان انقلابی بهبوده بماند . زیرا که یک وضعیت اجتماعی
 محصول ترکیب پراتیک اجتماعی طبقات مختلف است و آن نیرویی میتواند این
 نتیجه را به هدف خود منطبق سازد که دارای قدرت و نیروی بیشتری برای غنشی
 کردن نیروهای متخاصم دیگر است . همچنین می بینیم که تعیین وظیفه
 انقلابی بحالت ذهنی و سطح آگاهی کنونی توده ها بستگی ندارد . یا تصحیح
 بیشتر در اندیشه لنین و مارکسیسم - لنینیسم بطور کلی در میابیم که همه

این عوامل در تعیین اشکال فعالیت کارگران شرکت میجویند. ولی بهیچوجه در تعیین محتوی وظیفه انقلابی، در شرکت مشخص و مفروض نقش تعیین کننده ندارند. ولی این هنوز تمام مسئله نیست، ما هنوز بیک پرسش بسیار مهم جواب ندادیم. آیا در یک لحظه مشخص حد گسترش سازمان و نفوذ آن در تعیین وظیفه انقلابی اصلی تاثیر ندارد؟ جلات زیر از لنین باین مسئله نیز پاسخ میهد: "حال احتمال این پیروزی تا چه درجه ای است. مسئله ای است جداگانه. در این مورد ما بهیچوجه طرفدار خوش بینی غیر عقلانی نیستیم. ما بهیچوجه دشواری عظیم این وظیفه را فراموش نمیکنیم. ولی وقتی به مبارزه اقدام مینمائیم باید خواهان پیروزی باشیم، و بخت مینمائیم راه واقعی وصول بان را نشان دهیم، گرایشهایی که بتوانند ما را به پیروزی برسانند بدون شک موجود است. درست است که نفوذ ما یعنی سوسیال دموکراسی هر توده پوولتاریا هنوز خیلی خیلی کم است. اعمال نفوذ انقلابی در توده دهقانان بکلی تاچیز است. پراکندگی، بی فرهنگی و جهل پوولتاریا و بنابالای خاص دهقانان هنوز بی اندازه عظیم است ولی انقلاب بصورت مجتمع مینماید و به سرعت آذهان را روشن میسازد. هر گامیکه انقلاب بسوی تکامل بر میدارد توده را بیدار میکند و با نیروی غیر قابل نفی او را بطرف برنامه انقلابی یعنی یگانگی چیزیکه بطور پیگیر و بنحو جامعی منافع واقعی و حیاتی وی را منعکس میکند، میکشاند" (همانجا ص: ۶۵۷) در این نقل قول بلند که از لنین نقل شد، بدون هیچ شبهه ای پاسخ آن پرسش بالا نهفته است، و از زبان خود لنین میشنویم که اندازه نفوذ خود را در میان کارگران و دهقانان تاچه حدی ارزیابی میکند. او تاکید میوزد، که نفوذ ما در میان توده های پرو-

لتاریا خیلی خیلی کم است. او تاکید میکند که اندازه نفوذ ما در میان
 دهقانان بکلی ناچیز است و خصوصیات جنیتس دهقانی را از نظر سازمانی و ذهنی
 بررسی کرد و در چنین شرایطیکه تنها نیروی انقلابی یعنی پلشویکها دارای چنین
 وضعیتی هستند، در حالیکه دارای نفوذ اندکی در میان توده ها هستند.
 در حالیکه توده ها پراکنده و سطح آگاهیشان بسیار نازل است معذالک لنین
 در تمام رساله خود تاکید میبوزد که باید قیام را در دستور کار قرار داد.
 و "کسیکه در لحظه کنونی نمیخواهد بحکومت مطلقه و پارتجاع حمله کند، کسیکه
 خود را برای این حمله حاضر نمیکند، کسیکه این حمله را تبلیغ نمیکند، این
 کس بیپوده نام طرفدار انقلاب را روی خود میگذارد." از مجموعه آنچه که
 گفته شد میتوان این نتیجه را گرفت که از نظر لنین تعیین وظیفه انقلابی منوط
 نمیشود که آیا حتما میتوان به نتیجه مطلوب رسید. ممکن است با تمام تلاش
 و کوشش خود در راه انجام آن وظایف بکوشیم معذالک بواسطه مقاومت ارتجاع،
 بواسطه خیانت کسانیکه نقاب دوستی با انقلاب پسرچهره میزنند بواسطه جهل
 توده ها تمام کوششهای ما بیپوده باقی بماند. و همچنین انجام یک وظیفه
 انقلابی منوط به اندازه نفوذ ما در میان توده ها نمیشود. پس مهالی تعیین
 وظیفه انقلابی چیست؟ آنچه که تا کنون گفتیم درباره عواملی بود که در تعیین
 وظیفه انقلابی نقش تعیین کننده ندارند. پس چه عاملی در تعیین وظایف
 انقلابی نقش تعیین کننده ایفا میکند. لنین توضیح میدهد که بیشاهنگ باید
 وظایف خود را بر اساس ضرورتهای عینی تکامل جامعه، بر اساس الزامات
 پیشرفت انقلابی مبارزه طبقاتی پرولتاریا تعیین کند. لنین میگوید: "کنگره های
 حزب نباید مسائلی را برای اتخاذ تصمیم مطرح نمایند که فلان یا

بهمان ادیب بجا و با بهجا بهمان کشیده است ، بلکه مسائلی را باید مطرح
نمایند که بحکم شرایط زمان و بنا بر جریان عینی تکامل اجتماعی دارای —
اهمیت جدی سیاسی میباشند .^۰ (همانجا ص ۲۲۵)

جریان عینی تکامل اجتماعی ، مستقل از تفکر و شعور احزاب و طبقات
وجود دارد . نمایندگان پرولتاریا باید همواره در صدد آن باشند که آن
مسائلی را کشف و مطرح کنند و در حل آن بکوشند که حل آن باعث پیشرفت
و تکامل هر چه بیشتر مبارزه طبقاتی پرولتاریا و صعود آن به اوج عالیتر میشود .
وظایف انقلابی را از ارزیابی صحیح قانونمندیهای حاکم بر تکامل اجتماعی ،
و قوانین حاکم بر مبارزه طبقاتی میتوان استنتاج کرد . وظایف انقلابی را
الزامات پیشرفت انقلابی تعیین میکنند . برای روشن تر شدن این ایده بهجملات
زیر از لنین توجه کنید : " شکسی نیست که هیچکس تضمین نخواهد کرد که این
قیام بیک قیام مسلحانه تمام و کمال منتج گردد ، زیرا این موضوع هم به
وضعیت نیروهای انقلابی مربوط است که سطحش کامل آن فقط طی خود
مبارزه میسر است .^۰ ، هم بطرز رفتار دولت و بورژوازی و هم بیک سلسله
کلیفیات دیگری که در نظر گرفتن دقیق آن غیر ممکن است . درباره ناگزیری
بودن ، یعنی اطمینان قطعی بیک حادثه مشخص ، که آثاری استواره سخنان
را به آنجا میکشاند حاجتی به گفتار نیست . اگر شما میخواهید طرفدار
انقلاب باشید باید درباره این موضوع صحبت کنید که آیا قیام برای پیروزی
انقلاب لازم است یا غیر .^۰ (تاکید از لنین) (همانجا ص ۲۶۲)
همانطور که می بینید لنین ضمن تأکید بر اینکه نسبی توان تضمین کرد که آیا
این قیام " پراکنده " ، خود بخودی و ضعیف " میتواند بیک قیام تمام و کمال

تبدیل شود، قاطعانه میگوید در اینجا باید يك مسئله را روشن کرد و آن این
 که آیا قیام شرط بیروزی هست یا نه؟ آیا قیام لازم است یا نه؟ مسئله پرسر
 دستهای بیک هدف در شرایط معین است. راه نیل پایین هدف چیست؟
 لنین در دنباله همین جلات نقل شده میگوید: "آیا لازم است موضوع قیام
 را فعلا نه مطرح نمود، در باره آن تبلیغ کرد، و مجدداً زمینه آنرا بید رنگ
 و با انرژی تمام فراهم ساخت یا نه؟" همه این عبارات روشن میکنند که
 لنین به ضرورت عینی تکیه میکند و وظیفه پیشا هنگ را در پاسخگویی باین
 ضرورت می بیند. و اعتقاد دارد بر تمام موانعی که در سر راه پاسخگویی
 باین ضرورت وجود دارد باید غلبه کرد. "و در زندگی بلشویکها بارهای
 بار این دیدگاه بطور برجسته و نمایان خود را به معرض نمایش گذاشت لنین
 در ۱۹۱۷ چنین نوشت: "رفیق کامنف "حزب توده ها" را در مقابل گروه
 مروج "قوار میدهد. ولی "توده ها" اینک بدیوانگی دفاع گرائی "انقلابی"
 تسلیم شده اند. آیا برای انترناسیونالیستها بر ازنده تر نیست که در این
 لحظه نشان بدهند که آنها میتوانند بجای اینکه "بخواهند که با توده ها
 باقی بمانند" یعنی به بیماری همه گیر عمومی تسلیم شوند، در مقابل این
 مستی "توده ای" مقاومت کنند؟ آیا ما در تمامی کشورهای متحارب اروپائی
 ندیده ایم که شوئیستها کوشیدند بر این اساس که خواسته اند "با توده ها
 باقی بمانند" خود را توجیه کنند؟ آیا ما نباید قادر باشیم که برای مدتی
 علیه مستی "توده ای" در اقلیت بمانیم؟ آیا در حال حاضر تکیه اصلی کسار
 مروجین نیست که مشی پرولتری را از مستی "توده ای" دفاع گرایانه و خسوده

پروژوازی خلاص کنند ؟ (دوباره تا کتیکها ، لنین - نامه اول)
 در مقابل هستی " توده ای " باید مقاومت کنیم . باید شهادت در
 اقلیت دادن را داشته باشیم . چرا ؟ زیرا راهی که توده ها در پیش
 گرفتند ، راهی نیست که به پیشرفت مبارزه انقلابی کمک رساند ، راهی نیست که
 پرولتاریا را در مبارزه طبقاتی ارتقا دهد ، راهی نیست که پرولتاریا را بقدرت
 نزد یکر سازد ، و درست بدین دلیل ما باید بر علیه آن تبلیغ ترویج کنیم و
 بر علیه آن اقدام کنیم و چنین بود که علیرغم جانبداری توده ها از
 حکومت موقت ، سخنوان بلشویکها بر علیه آن سخن گفت و توده ها امروز پشت
 تر بیون بزیر کشیده ، و مورد ضرب و شتم قرار دادند . اما بلشویکها
 همچنان بر اعتقادات خود پای میفشردند . بنابراین میتوان گفت معیار اصلی
 تعیین وظیفه انقلابی پیشاهنگ پرولتاریاز درون خود تکامل عینی تاریخی
 جامعه بیرون میآید . پیشاهنگ باید با تحلیل قوانین تکامل عینی جامعه خود
 محاسبه عینی نیروهای طبقاتی دریا بد که شرط پیشرفت و ارتقا ، مبارزه طبقاتی
 و بسط و تحکیم قدرت پرولتاری چیست ؟ و آنگاه بید رنگ تمام انرژی خود را
 صرف پاسخگویی به نیازهای زمان کند . پیشاهنگ باید وظایف انقلابی خود
 را بر درك ضرورتهای عینی پیشرفت تاریخی استوار سازد و تمام هم خود را بکار
 برد تا توده ها را بر این ضرورتها آگاه گرداند و انرژی آنها را در راه پاسخ
 گویی بآن ضرورتها بکار اندازد . لنین مینویسد : " خوشبینی غیر مجازی
 بود هوآینه دشواریهایی که در راه جلب توده ها بپنهنضت وجود دارد و این
 دشواریها تنها شامل طبقه کارگر نبوده بلکه شامل دهقانان نیز هست فراهوش
 میشد ، همین دشواریها است که بارها مجاهداتی را که برای رسانیدن

انقلاب د مكراتيك بهدف نهائی شده است عقیم گذارده و ضمناً در این جریان
 بورژوازی تا بگیر و خود غرض که در عین حال هم از راه مدافعه از دستگساره
 سلطنت در مقابل مردم " سرمایه تحصیل نموده است " و هم " قیافه معصوم "
 لپهرا لیسیم یا " خط مشی آسوا باز د نیه " را " حفظ کرده است " بیش از همه بکامیابی
 رسیده است " ولی دشواری معنایش عدم امکان نیست " آنچه مهم است
 اطمینان در انتخاب صحیح راه است و این اطمینان است که انرژی و شور انقلابی
 قادر به معجزه را صد بار افزایش میدهد " (مجموعه آثار و مقالات لنین -
 د و تاکتیک سوسیال د مكراسی در انقلاب د مكراتيك ص - ۲۲۲) .

آنچه مهم است اطمینان در " انتخاب صحیح راه است " راهی که رشد
 سیاسی توده ها را تسهیل کند ، و پیوسته تشکل آنها را سریع سازد ، و بتوا -
 نسد قسدرت دولتی را در دست آنها بگذارد " قوانین عینی جامعه و
 مستقل از ذهن احزاب و طبقات است بنابراین اندازه توانائیهای بالفعل يك
 سازمان مشخص کمونیستی اینرا تعیین میکند که سازمان مذکور چه کامیابی
 را باید بردارد تا بتواند آمادگی همه جانبه ای برای پاسخگویی باین ضرورتها
 را داشته باشد " پیدا است که اندازه نفوذ معنوی و مادی يك سازمان چه از
 نظر کمی و چه از نظر کیفی تنها در جریان پاسخگویی باین ضرورتها شکل میگیرند
 انقلاب اجتماعی نتیجه يك پیوسته طولانی مبارزه طبقاتی است " و دقیقاً در این
 پیوسته است که توده ها از روی تجربه و مقایسه میتوانند پيشاهنگ واقعی
 خود را تمیز دهند " پيشاهنگ پرولتری " رهبر اپد ثلوزيك طبقه یا بقول گرامشی
 نقد فعال شعور طبقاتی است و وظیفه دارد تا پراتيك طبقه را در معرضه
 مبارزه اجتماعی رهبری کند " او وظیفه دارد پاسخگویی ضرورتها ی عاجل

زمان حال باشد ، و بطرز موثری در جهت آفرینش و پیش بینی آینده کام بردارد
 و " نظیفه دارد عمل و اندیشه توده ها را برانگیزد " نه آنکه خود را تا سطح
 آنها تقلیل دهد و در نتیجه در آن حیل شود " در " صاحبیه " یا تسلیح
 توده ها را بعنوان يك ضرورت مطرح کردیم . ولی دیدیم که پیروسه
 تسلیح توده ها يك پیروسه غیر قهرآمیز در آمد . بدون شك تسلیح توده ها -
 یکی از وظایف مهم پیمشا هنگ ا نقلایی بود اما صحبت دقیقاً بر سر اینست
 مسأله است که باین " ضرورت " چگونه میتوان واقعا پاسخ گفت . صحبت بر
 سر این است که " راه واقعی وصول به هدف چیست ؟ " برای دورک این مسئله باید
 عینیت مبارزه ، نیروهای عملاً موجود آن ، رابطه این نیروها با یکدیگر مورد
 ارزیابی دقیق قرار گیرد . و با اتکا به تجربیات جهانی چگونه میتوان قبول
 کرد که میتوان " توده ها " را در پیروسه ای غیر از مبارزه مسلحانه مسلح
 ساخت . و سازمان مسلح توده ها را بوجود آورد صحبت کرد ناز " سازمان
 مسلح توده ها " با انکار آنها راهی که میتواند چنین امری را تحقق بخشد
 یعنی انکار کردن ضرورت های فوری " سازمان مسلح توده ها " . اکنون پیداست
 که ما علیرغم کوچک بودن سازمان خود ، وظیفه داشتیم براتیک خود را بر
 مبنای پاسخگویی به ضرورت های زمان مستقر سازیم . علیرغم آنکه بتوانیم شناسایی
 توده ای پیدا کنیم ، و شرط اینکه بتوانیم بدرستی نقائص و نارسائی های آن
 لحظه مشخص را رفع کنیم این بود که انجام این وظایف غول آسا را برعهده
 می گرفتیم .

مهم انتخاب صحیح راه است و مهم انجام وظایف انقلابی
 است . مهم این است که بتوانیم تسا آنجا که توان داریم در

جهت پیروفت واقعی و علمی انقلاب گام برداریم . مهم
 این نیست که آنها زندگی اجازه خواهد داد تا ما حاصل
 تلاشهای خود را ببینیم یا نه . مهم این است که لااقل در جبهه
 مختلف کار انقلابی میراثی انقلابی برجای گذاریم . تا
 نطفه‌ای آید که انقلاب بتواند سریعتر و عمیقتر انقلاب را به
 پیش ببرد .

هرچه برا فوخته با د پرچم ظفر نمون تلوری ما رزه مسلحا نه
 هم استرا تری ، هم تاکتیکه ؛
 هرچه مستحکمتر باد صفوف رزمده چریکهای فدائی خلق ؛
 تا بود باد نفوذ مؤذیانته اسپورتونیسیم در صفوف
 چریکهای فدائی خلق ؛
 مرگ برآ میریا لیسم و سگهای زنجیریش ؛
 تا بود باد رژیم وابسته با پسرالیسم جمهوری اسلامی ؛
 برقرار باد جمهوری دیمکراتیک خلق پروردی طبقه کارگر

با ایمان به پیروزی امامان

چریکهای فدائی خلق ایران (ارتش رهاییبخش خلقهای ایران)

زیر نویسها

- ۱ - در اینجا منظور از "چریکهای فدائیس خلق ایران" آن جریانسی است که در سال ۱۳۵۸ اعلام موجودیت کرد و بعداً در سال ۱۳۶۰ تحت عنوان چریکهای فدائیس خلق ایران (ارتش رها تپه بخش خلقهای ایران) به فعالیت خود ادامه داد .
- ۲ - از این پس ما با نام " مصاحبه " از این اثر اسم خواهیم پرسد .
- ۳ - ما در اینجا نمیخواهیم " مصاحبه " را در تمام زمینه ها نقد کنیم . در این مقاله آن بخش از نظرات " مصاحبه " مورد نقد قرار میگیرد که در قضا لیت عقلی سازمان ما نقض اینها نموده .
- ۴ - البته خواننده ممکن است از آمدن این جمله در میان این سطور - تعجب کند ولی همانطور که بعداً خواهیم دید این جمله تأکید قوی این نظر است که نباید بهارزه نظامی دست زد ، اگر چه افرادی از همین دولت هم ممکن است رأیده در هجوم امپریالیستی دست داشته باشند .
- ۵ - در بسیاری موارد این ایده در " مصاحبه " تکرار میشود .
- ۶ - این قطعه از قطعات بسیار مهم " مصاحبه " است " مصاحبه " میگوید چون خلقها از ستم دوگانه رنج میبرند زودتر از سایرین سلاح بر - داشته اند . شاهکار است ! " سایرین " !!! خلقها نیکه از ستم دوگانه رنج میبرند چه " چیزهایی " هستند ؟ آیا طبقات انقلابی ، مثلا کارگران جزو سایرین محسوب میشوند ؟ اگر چنین باشد معلوم میشود که " مصاحبه " مفهوم درست مقوله خلق را نمیفهمد و با اینکه خلقهایی وجود دارند که از ستم دوگانه " رنج نمیبرند ، اگر چنین باشد معلوم میشود که " مصاحبه "

معنی سلطه امپریالیستی را در يك کشور تحت سلطه تعریف و در کسی از مفهوم ستور دوگانه ندارد *

۷ - در صفحات بعد خواهیم دید که " صاحب " بنحوی ذهنی امکان پیشرفت مسالمت آمیز انقلاب را میدهد * بهمین جهت کاملاً ذیحق است که اینطور جواب دهد *

۸ - البته در صفحات بعد خواهیم دید که تسلیح توده‌ها فوائد دیگری هم دارد ، و میتواند در " اولین ماده قانون اساسی ، تمام روابط و منافع امپریالیستی را از بین برد ، و بورژوازی وابسته را منقرض اعلام کند *"

۹ - این دو جمله را با هم مقایسه کنید " من بهیچوجه معتقد بآن نیستم که در حال حاضر باید به‌مبارزه نظامی پرداخت " و " ولی تئوری مبارزه مسلحانه گرچه قبول دارد که تدوین قانون اساسی موقتی میتواند در حال حاضر اهمیت مبارزاتی داشته باشد و پس از تدوین نیز چارچوب خوبی برای جهت دادن به مبارزات آینده است ولی مسئله اصلی جنبش ما مسئله خلع سلاح است *"

آیا این بدین معنا نیست که در زمان حاضر پیشرفت انقلاب اساساً بطور مسالمت آمیز میتواند تأمین شود و ما در يك پروسه اساساً غیر نظامی بایستد انقلاب را به پیش ببریم و فقط برای آمادگی مقابله با هجوم امپریالیسم بایستد استفاده از همان اشکال مسالمت آمیز بایستد به تسلیح توده‌ها بپردازیم ؟

۱۰ - در هیچ جای دنیا سازمان مسلح توده‌ها نمیتواند در پروسه مسالمت آمیز متولد شود * سازمان مسلح توده‌ها تنها در پروسه مبارزه قهر آمیز میتواند متولد شود و رشد کند *

۱۱. عین گفته های لنین را در اینجا میآوریم :

« الان فقط الان و شاید در عرض چند روز ، يك يا دو هفته ، بتوان بهجوی صلح آمیز چنین حکومتی را ایجاد کرد و استحکام بخشید احتمال کلی میرود که این دولت بتواند پیشرفت مسألت آمیز انقلاب سراسری روسیه را تضمین بکند و بطور استثنائی فرصتهای خوبی بوجود آورد برای گامهای بزرگی در جنبش جهانی برای صلح و پیروزی سوسیالیسم .

از نظر من بلشویکها که با رتیزا نهی انقلاب جهانی با شیوه های انقلابی هستند ، ممکن است و باید با این سازش فقط بخاطر ^{تکمیل} مسألت آمیز انقلاب موافقت کنند فرصتی که بهینهایت در تاریخ نادر و کمیاب و بهینهایت پرازشاست ، فرصتی که فقط گامگاهی دست میدهد . » (تاکید از لنین است) - (لنین - درباره تاکتیکها - مقاله درباره سازش)

۱۲. در اینجا صحبت پروسر تکامل جنگ انقلابی ، تکامل انقلاب دمکراتیک نوین یا انقلاب سوسیالیستی است .

فهرست پاره‌های انتشارات جدید :

- ۱- بیانیه‌های عملیات جنگل
- ۲- بیاد رفیق کبیر عبدالرحیم صبوری
- ۳- دریا ره دانش انجاری
- ۴- جنگ ضد زره و آرپی جی هفت
- ۵- پاسخ به انحلال طلبان
- ۶- بررسی گذشته (۱)

پیشین بسوی تشکیل اور ترقی خلق
و
ایجاد مناطق بسرخ

زنده باد مبارزه مسلحانه که تنها راه رسیدن به آزادیست

از انتشارات :

چریکهای فدایی خلق ایران (ارتش‌ها شبیخن خلقهای ایران)

تکثیر از: سازمان دانشجویی ۱۹ بهمن در آمریکا

هوادار چریکهای فدایی خلق ایران، ارتش، هاشمی، خلق، آبان، آبان